



اطلسی کوچک (۹۳ ساله) از یک امپراطوری بزرگ (۶۳۳ ساله) (فروپاشیده)

نوشته: استاد محمد پورکمال

سپهر مفتخر است که هراز چندگاهی، آثاری از استاد گرانمایه مهندس محمد پور کمال را همراه با راهنماییهای همیشگی ایشان در خود جای دهد.

«اطلسی کوچک از یک امپراطوری بزرگ» تنها یک مقاله و بررسی معمولی نیست، اثری است گرانبها از یک بررسی دقیق موشکافانه علمی (کارتوگرافی) به قلم دانشمندی میز که مرجعی برای همه محققان و متخصصان علوم جغرافیایی، مهندسی نقشه برداری و کارتوگرافی خواهد بود.

استاد پورکمال، بی شک برای جامعه علمی کشور آشناست. وی علاوه بر نقش بسیار مؤثر در فعالیتهای نقشه برداری هوایی و کارتوگرافی، سالها در سمت استادی در گروههای آموزشی نقشه برداری و کارتوگرافی دانشگاه تهران و سایر مؤسسات آموزشی عالی به تدریس پرداخته اند و بسیاری از متخصصان علوم نقشه برداری جهان نیز از خدمات علمی ایشان در انیستیتوی بین المللی نقشه برداری هوایی هلند (ITC) بهره برده اند.

امید است با عنایت پروردگار متعال هر بار شاهد اثر ارزشمندتر از این استاد عزیز و گرامی باشیم.

سردبیر

درباره اطلسها

بحث درباره انواع اطلسها خود مستلزم گفتارها و نوشتارهای ویژه ای است، لیکن از جهت فتح باب همین قدر اشاره می کنیم که در بین انواع بی شمار نقشه، اطلسها اهمیت و جایگاه ویژه ای دارند، حال چه به صورت کتابی قطور و بزرگ به سبک و روال کلاسیک و چه با روشهای نوین دیجیتالی امروزی که روی دیسکها و واسطه های کامپیوتری با ظرفیت بالا عرضه شوند. از نظر موضوع نیز نباید فراموش کرد که هر چند بیشتر اطلسهای جهان در خانواده جغرافیا قرار دارند؛ اما اطلسهای موضوعی خاصی همانند اطلسهای کالبدشناسی انسان و حیوانات، اطلسهای گیاهی و رستنیها اطلس سنگ و خاک و نظایر آن نیز تهیه می شوند. کلمه اطلس برگرفته از نام قهرمان اساطیری یونانی است که جهان

را بر دوش دارد (چند کاربرد این کلمه بر مجموعه ای نقشه، به قرن دهم هجری و شانزدهم میلادی^۱ برمی گردد.) در اواخر قرن هفدهم میلادی (۱۶۹۶) به وسیله «ل. رنارد» و دیگران، این اصطلاح برای نقشه های جهانی مجلد عمومی ت یافت. دومینیک کاسینی ایتالیایی الاصل که بعداً عضو برجسته آکادمی علوم فرانسه شد، در کاربرد این عنوان بر مجموعه نقشه های جهانی سهم به سزایی دارد. اکنون نیز همان تعریف عرف اطلس؛ به مجموعه ای مدون و تجدید شده نقشه ها گفته می شود که به منظورهای آموزشی - مطالعاتی و مرجع اطلاعات جغرافیایی (طبیعی - انسانی - اقتصادی - منابع - محیط زیست و تاریخ ...) از یک ناحیه بزرگ و استان گرفته تا سطح یک کشور و یک قاره یا تمام جهان تهیه می شوند و به عبارت دیگر می توان آنرا یک GIS مدون آنالوگ مقطعی - دوره ای نام نهاد که تصاویر پرداخت شده ماهواره ای نیز اخیراً در آن سهم عمده ای دارند. کیفیت

مقیاس‌ها طبق روال اطلس‌ها، تابع ابعاد اطلس بوده است. آمارها و جداولی که در مقدمهٔ اطلس داده است و ما نمونه‌هایی از آنرا برگزیده‌ایم، آنچه مربوط به ابالات و ولایات عثمانی می‌شود تا حدی موثق ولیکن دربارهٔ آمارهای جهانی که ماخذی هم ذکر نشده سؤالات چندی خواهید داشت برای محصلین متوسطه و حتی در سطح دانشگاه در آنزمان وسیلهٔ کمک آموزش جغرافیایی و برای کتابخانه‌های شخصی نیز مرجعی بوده است. بی‌گمان آگاه هستید که در اواخر قرن نوزدهم و اوایل قرن بیستم میلادی تهیه نقشه‌های دیواری و اطلس‌ها و امور نقشه‌برداری‌های توپوگرافی مورد توجه درجه اول آکادمی‌های علوم کشورهای غربی بوده و در فراسوی هر کشور اروپایی گروه‌های جغرافیایی و نقشه‌برداری از گروه‌های مقدم بودند، و این مسئله مربوط به بسیاری دیگر از زمینه‌های علمی - فنّی جهان آن روز نیز می‌شود که کشورهای اروپایی ضمن منازعات و رقابت‌های داخلی در شرایط بهجت و نشاط و مسابقهٔ نوآوری‌ها و فن‌آوری‌ها بودند و حکومت و خلافت عثمانی دقیقاً در همین زمان به رخوت دچار بود و درست در همین دوران که روسیهٔ تزاری و امپراطوری‌های کوچک اروپا به مستملکات عثمانی می‌ناخندند و دربار عثمانی و قصور «بیلدیزه» توپ قاپی» از فساد افسانه‌ای هزار و یک شب بغداد نیز فراتر رفته بودند و بودند سردارانی که همچون عباس میرزای ایرانی و یا عثمان پاشای ترک (رجوع به پلونا) که در برابر لشکریان تزاری مردانه جنگیدند، لکن «باب عالی» دیگر شایستگی ریاست این افسران و اداره یک امپراطوری بزرگ کنترالمه را از دست داده بود و فداکاری‌های بقیه‌السیف عثمانی نیز کاری از پیش نمی‌برد و ... مسلماً این شرایط در تولیدات علمی، فرهنگ آن زمان بی‌تأثیر نبوده و طبعاً اطلس مورد معرفی و اشارهٔ ما نیز از این تأثیرات در امان نبوده است اما هر چه باشد ما آنرا از یک سو به منزلهٔ ضمیمه‌ای بر وصیت نامهٔ آخرین سلطان مستبد عثمانی (عبدالحمید) که مدت ۳۳ سال بر اریکه قدرت سلطانی تکیه کرده بود و در سالهای آخر عمر نه تنها از رشد ترکهای جوان بلکه از سایهٔ خودش هم بیم داشت؛ تلقی می‌کنیم که در هر حال در خور مرور است و عبور از سوی دیگر نقشه‌های این اطلس از جمله نقشه‌های ثانوی و مشتقه هستند^۳ و این خود مستلزم آن است که نقشه‌های توپوگرافی کوچک مقیاس از کل این سرزمین‌ها در دست باشد تا اینگونه اطلس‌ها فراهم شوند و این خود کار و زحمتی است برای پژوهشگران جوان ما که نقشه‌های این دوران را از اکتاف عالم گردآوری و خلاصه موجود در تاریخچه دانش نجوم، نقشه‌برداری و جغرافیا را در منطقه پر کنند. دیگر آنکه خدمت به ارتقای دانش عمومی جغرافیایی جامعهٔ پویای امروز ما نیز مهم است و بخش مهمی از این وظیفه که برعهدهٔ سازمانهای مسئول، جراید و صدا و سیما است حرکت‌های خوبی را شاهد هستیم، هم در ابعاد درون مرزی و هم از گستردهٔ برون‌مرزی، و خوشبختانه تولیدات و پوششهای سازمانهای جغرافیایی و نقشه‌برداری در این زمینه‌ها امیدوارکننده است و مسلم است که از نظر برون‌مرزی محدوده‌های سرحدات مقدم تاریخ ایران مشحون از سرگذشت‌ها و سرنوشت‌های سرزمین‌هایی که هنوز هم پرتوهای زیبایی از فرهنگ و تمدن ایرانی در آنها جلوه‌گر است مقدم هستند.

و دقت و حجم اطلاعات در ارزش و اعتبار آنها نقش اساسی دارد و ارزیابی و ارزشیابی اطلس‌ها خود اشراف و اجتهاد ویژه‌ای به مسایل نقشه‌نگاری و کارتوگرافی و رشته‌های وابستهٔ دیگر را می‌طلبد. تا آنجا که مثلاً یک اطلس جغرافیایی جهانی تا بهر اندازه با یک اطلس دبستانی تجاری که می‌تواند از سوی همهٔ آمارورها با کامپیوتر یا به روش دستی تهیه و چاپ شود معادل نگیریم و در این زمینه همین اشارت کافی است.

این شیوه را نیز بهتر است از اذهان خارج کنیم اینکه می‌گوئیم تکنولوژی جدید کارها را سریع و آسان کرده است. البته خوشحالیم که چنین است اما میزان توقعات و نیاز به اطلاعات در سطوح میکرو و ماکرو نیز روزافزون است. حال اگر این گفته را قبلاً شنیده‌اید که هر برگ نقشه خود می‌تواند معادل چندین کتاب باشد، بیاید اضافه کنیم که هر اطلس خوب و جامع می‌تواند یک یا چند کتابخانه اطلاعات را در خود جای دهد. (بالاخص اگر روی واسطه‌های کامپیوتری باشد).

و اما ترکیه امروز: بحث ما دربارهٔ اطلس عثمانی سال ۱۳۲۵ قمری با کشور همسایهٔ دیوار به دیوار غربی ما ترکیه، هر چند ارتباط تاریخی دارد لیکن ملاک و معیاری برای ارزیابی کارهای نقشه‌برداری و تهیهٔ اطلس در جمهوری ترکیه امروزی نیست و بهتر است روشن شود که کشور ترکیه از نظر نقشه‌پوششی توپوگرافی کل کشور خود، حتی در سطح کشورهای اروپایی از پیشگامان است و چندین سال است که نقشه ۱:۲۵۰۰۰ پوششی خود را با روشهای فتوگرامتری کلاسیک و آنالوگ در ۵ رنگ به پایان رسانده و هم اکنون دو سازمان **تاپو و کاداستر** ترکیه و سازمان هرینه‌گل مودور لوگو، بخش وسیعی از کشور خود را زیر پوشش ۱:۵۰۰۰ برده‌اند که خود شایستهٔ تحسین است و به یاد داریم که سازمان کاداستر ترکیه در سال ۱۹۶۸ میلادی (۱۳۴۷ شمسی) اولین کامپیوترهای کوچک را به کار گرفته بود.

کوچک اطلاس

سال گذشته اطلس کوچک عثمانی تهیه شده در سال ۱۳۲۵ هجری قمری (۹۳ سال پیش) از سوی یکی از همکاران بسیار قدیم سازمان نقشه‌برداری^۴ به دستم رسید (احتمالاً نمونهٔ آنرا در کتابخانهٔ سازمان جغرافیایی نیروهای مسلح نیز دیده‌ام). با ملاحظه و بررسی این اطلس بر آن شدم که ضمن معرفی آن به دست اندرکاران جوان جغرافیا و نقشه‌برداری کشورمان، اشاره‌ای نیز به تاریخ و سرگذشت یکی از بزرگترین امپراطوری‌های جهان در جوار و در کنار ایران بشود. اطلس مورد بحث در قطع ۱۲ × ۱۷ سانتیمتر و با قطر حدود ۱۸ میلیمتر یک اطلس کوچک تهیه شده از سوی بخش خصوصی کشور عثمانی است که تأیید و گواهی مقامات آموزشی عثمانی را نیز گرفته است. کیفیت نقشه‌ها در سطح معمولی و تجاری آن زمان است. نوشته‌ها به خط فارسی است و امتزاج جالبی از کلمات فارسی - ترکی و عربی را در کالیگرافی نقشه‌ها ملاحظه می‌کنید. بحر سفید، بحر سیاه که در دوره‌های بعدی آن دکیز و قره‌دکیز شده‌اند، رشته‌کوه‌ها به صورت شبه نمایشی قائم و اورتوگونال از روش‌های گرم ابریشمی ارتفاعات در قرون قبل از قرن نوزدهم سایه گرفته است.



نظری و گذری بر تاریخ

سپهر برنده «پرویزی» است خون افشان

که ریزه‌اش سرکسری و تاج پرویز است

(حافظ)

هر چند سرزمین آناتولی و آسیای صغیر و سرزمین‌های تابع امپراطوری عثمانی، در نهایت بسط اقتدار آن با تاریخ ایران پیوندهای چند هزار ساله دارند، چه پیش از مادها و دورانهای اساطیری و چه از هخامنشی‌ها به بعد و سرانجام تا زمانیکه آسیای صغیر و بخش جنوبی آن مایه انتزاع دوایر قدرت ایران و روم بود، با طلوع فجر اسلام ایرانیان در اداره امور حکومتی و کشورداری و انتقال قدرت از بنی‌امیه به بنی‌عباس نقش اساسی داشتند و عنصر سباهی ترک نیز در کنار ایرانیان فارسی زبان از دوران معتصم عباسی نقش‌های نظامی را بر عهده گرفتند و چون منظور ما اشارتی بیش نیست به رگ و ریشه ترکان عثمانی بسنده می‌کنیم و چه بهتر که از گروه تاریخ نویسان باشد. دکتر محمد ابراهیم باستانی پاریزی درباره سلجوقیان بزرگ ایران چنین می‌گوید: «دولت ترکمانان سلجوقی یکی از پروسعت‌ترین، قوی‌ترین و پایدارترین دولتهایی است که از سال ۴۲۹ هـ ق ۱۰۳۸ م که سال پیروزی طغرل سلجوقی بر سلطان مسعود غزنوی در داندانقان سرخس است تا سال ۵۹۰ هـ ق که سال سقوط آخرین پادشاه سلجوقی (سلجوقیان بزرگ) است ادامه دارد». باستانی پاریزی اولین دلیل موفقیت سلجوقیان را چنین بیان داشته است «نخست آنکه برای اداره این دولت بهناور که از ماورای سحون تا سواحل مدیترانه و از نهمان تا تقلیس گسترش یافته بود، از جناح ایرانی فارسی زبان برای تدوین ادارات دولتی (دواوین) و تعیین وزیران و همکاران اداری استفاده کردند». می‌دانیم که نظام‌الملک معروف و چند تن دیگر از نخست‌وزیران این عهد منشاء خدمات علمی - فرهنگی زیاد بوده‌اند (از جمله نظامیه‌ها)^۱ و همین سلجوقیان بزرگ ایران بودند که در جنگ «ملازگرد» سرنوشت آینده چندین قرن را رقم زدند. از نظر اهمیت این نبرد سرنوشت‌ساز، عین نوشته‌های تاریخ اقبال آشتیانی را پیوست کرده‌ایم.

تحولات اعلام و نامهای جغرافیایی

در سالهای اخیر تعدادی از اسامی تغییر یافته قدیم را در ترکیه، زنده کرده‌اند، لیکن این برنامه شامل همه شهرها و مناطق نشده است. مثلاً می‌دانیم آنکارا از آنقره و آنقره از آنگوره گرفته شده است و کاپادوکیه همان کث پتوک مندرج در کتیبه‌های ایران قدیم است و به چند نمونه دیگر اکتفا می‌کنیم.

کوتاهی همان فریگیا است.

کرسس اوغلو همان میسیا است.

ساروخان اوغلو همان لیدیا است.

حمیداوغلو همان پلیسی دیاست.

کندراوغلو همان پاتلاگونیا است.

تکه اوغلو همان لیسیا است.

عثمان = اوغلو بیتینیا پنترنیه و یا بتیانیا است.

منتشه اوغلو همان کاریه است.

وآدین اوغلو همان ایونیا.

تجزیه دولت سلجوقیان بزرگ

عثمانیان ریشه در سلجوقیان روم دارند و سلجوقیان روم از شاخه‌های تجزیه شده سلجوقیان بزرگ ایران هستند. سلسله سلاجقه بزرگ با فرمانروایی طغرل اول آغاز می‌شود و آنگاه آلب ارسلان - ملکشاه و دو فرزندش برکیارق و محمد و نوه‌اش سلطان سنجر و باز هم از منابع تاریخی دیگر یادآور می‌شویم که در عهد ایشان جمیع ممالک سلجوقی از کاشغر در مرز چین تا انطاکیه در ساحل مدیترانه تحت یک امر بوده است و اگر بگویم که اختلاف طول جغرافیایی محدوده حکومت این سلسله بالغ بر ۴۰ درجه یا بیش از چهار هزار کیلومتر هوایی مستقیم بوده است باز هم کم گفته‌ایم. زیرا رود هالیس یا قزل ابرماق و شرق آسیای صغیر در آن منظور نشده است (سهیمه اول سلجوقیان روم). یکی از خصوصیات سلجوقیان بزرگ این بود که حکام محلی را به رسمیت می‌شناختند و به آنها اعتبار نامه می‌دادند. شاخه‌های مهم تجزیه شده سلجوقی عبارتند از سلاجقه عراق عجم (مرکز ری و همدان) - سلاجقه شام و الجزیره (میان در رود و عراق عرب) - سلجوقیان کرمان (مرکز کرمان) که شامل جنوب شرقی ایران و بنادر نیز می‌شده است و بالاخره سلجوقیان روم که از بین تمام این شاخه‌ها سلجوقیان روم بیش از شاخه‌های دیگر یعنی دو بیست و سی سال (۴۷۰ - ۷۰۰ هـ ق ۱۰۷۷ - ۱۳۰۰ میلادی) دوام یافتند و چون کلمه «روم» گاه مترادف با باختر و غرب می‌بوده، گروهی بر این عقیده‌اند که منظور سلجوقیان غرب است. و باز در تاریخ‌های بالئسبه معتبر می‌خوانیم در ۱۳۰۰ میلادی (۶۹۹ هجری قمری) عثمان اوغلو بنیانگذار سلسله عثمانی از دست سلطان کبچاد سلجوقی فرمانی مبنی بر تنفیذ فرمانداری منطقه بی‌تی‌نیه (بیتونیا) دریافت کرد. عثمان اوغلو فرزند ارطغرل (ER-TOGRUL) به رئیس قبیله و سردهسته راهداران (و نه راهزنان!) منطقه تحت نفوذ خود در «بی‌تی‌نیه» بود (راهداری در آن عصر، پشتوانه مهمی برای اقتصاد ایلی و قبیله‌ای به شمار می‌رفت). عثمان اوغلو بعد از پدر در این منصب فرار گرفت و و مسلماً در آن زمان هرگز باور نمی‌کرد که اعقاب او مدت ۶۳۳ سال بر اریکه یکی از بزرگترین امپراطوری‌های جهان تکیه زنند و ضمناً مستقیم و غیرمستقیم موجبات نشر و انتقال بخش مهمی از فرهنگ ایرانی - اسلامی به بالکان و جنوب شرقی اروپا تا دروازه‌های وین، بشوند.

سلسله سلاطین عثمانی (فهرست سوم)

و توقع از تاریخ نویسان ایرانی

ایسن فهرست برگرفته از اطلس تاریخ اسلامی تألیف Harry W. Hazard با ترجمه محمود عرفان است. اما در دایرةالمعارف و کتب تاریخی تحت عنوان ترکیه - ترکها - عثمانیان و نظایر آن دربار

کمرنگ‌تر شده‌بود. در سالهای اخیر هرگاه سعادت دیدار اساتید تاریخ، دست داده است، این مطلب را عنوان کرده‌ام که زحمت بکشید و برای هر دوره و هر مقطع تاریخ ایران که می‌نویسید (و یا نوشته‌اید و نوشته‌اند) محدودهٔ ایران آن‌زمان و هر زمان را به صورت جزیره نگه‌دارید و در هر دوره حکومت‌های خارج از ایران را معرفی کنید و به رویدادهای مهمی که پیرامون ما می‌گذشته است اشاره‌کنند و چه بسایرند رویدادهایی که مثلاً در

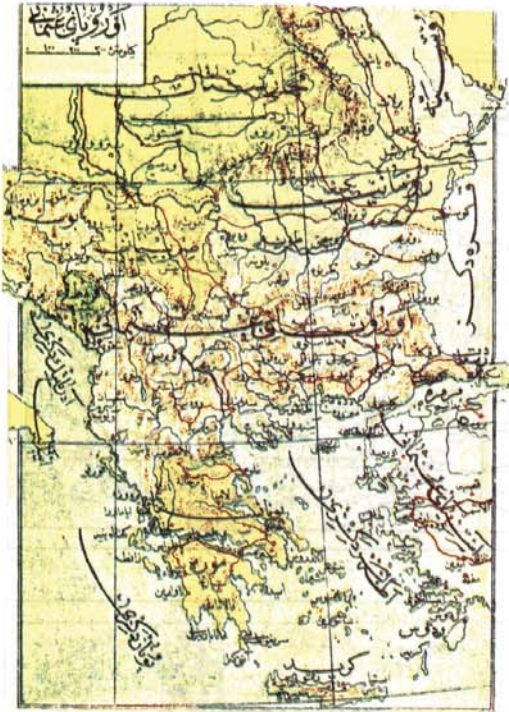
فتوحات و شکست‌های هر یک به تفصیل سخن رفته است و در تاریخ ایران نیز از اواخر قرن سیزدهم میلادی تا دو دههٔ اول قرن بیستم و حتی در جنگ جهانی اول چه سرمایه‌های نیروی انسانی، مالی و از همه مهمتر فرصت‌های طلایی برای جنوب تکنولوژی و شکوفایی اقتصادی را در درگیری با عثمانیان از دست داده‌ایم، هر چند در عهد قاجار مزاحمت‌های شمال غرب در مرزهای ایران در برابر مزاحمت‌های همسایه تزاری شمال



شماره ۳ - از فهرست یکم
نظام ایلات و عناوین نقشه‌ها



روم ایلی بزرگ بخشی
از اروپای عثمانی
شماره ۵۲ از فهرست یکم



شماره ۵۱ از فهرست یکم

نقشه‌های زمینی در مقیاسهای یک دویست هزارم، صد هزارم و پنجاه هزارم و پیرامون این مقیاس‌ها در آن دوران با نسخه سه پایه (پلانشت) تهیه می‌شدند و چه بهتر که در کشورهای تابع عثمانی آن زمان سراغ این نقشه را بگیریم و احتمالاً در پایگانی‌ها و موزه‌های نقشه در ترکیه امروز و یا بالکان و مصر و سوریه نمونه این نقشه‌ها موجود است. مشخصات فنی نقشه‌های کوچک اطلس (با مشاهده همین چند برگ نمونه خواهید دید که) به شرح زیر است:

۱- شبکه جغرافیایی باالنسبه صحیحی آورده شده که مبدا عرض‌ها خط استوا و مبدا طولها هنوز نصف‌النهار پاریس است.
۲- ارقام طول و عرض در همه نقشه‌ها خوب ثبت و نوشته نشده‌اند.

۳- ترسیم خطوط سواحل دقیق انجام شده (نسبت به مقیاس) و احتمالاً از نقشه‌های دریانوردی نیز بهره گرفته شده است.

۴- چند راه‌آهن منفرد بین چند شهر عمده دیده می‌شود و حتی امتداد راه‌آهنی که از آناتولی به شام (سوریه) و سپس به حجاز (حرمین)

دوره هفتم، شماره بیست و ششم / ۲۹

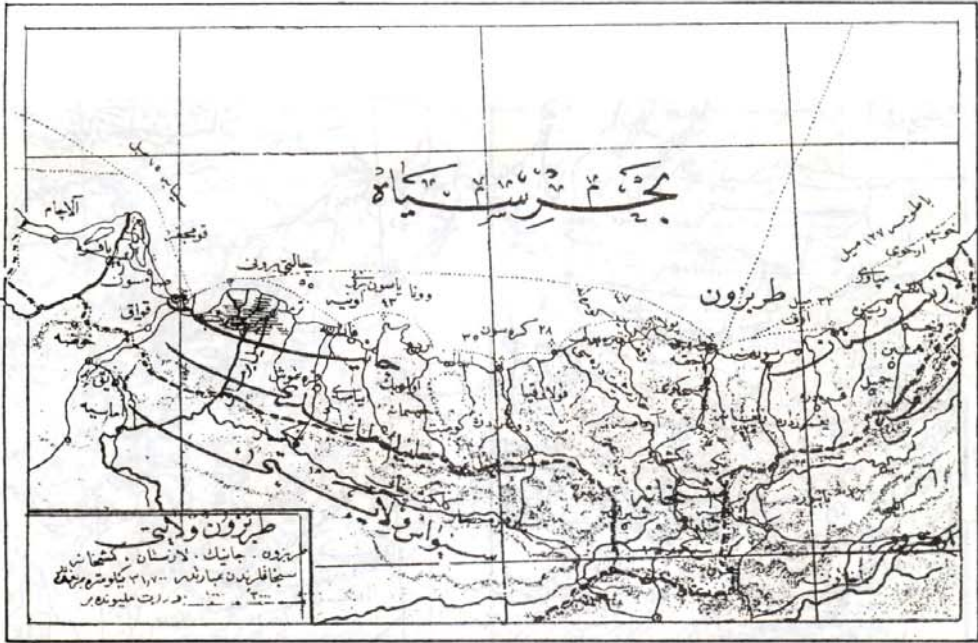


شماره ۴ از فهرست یکم

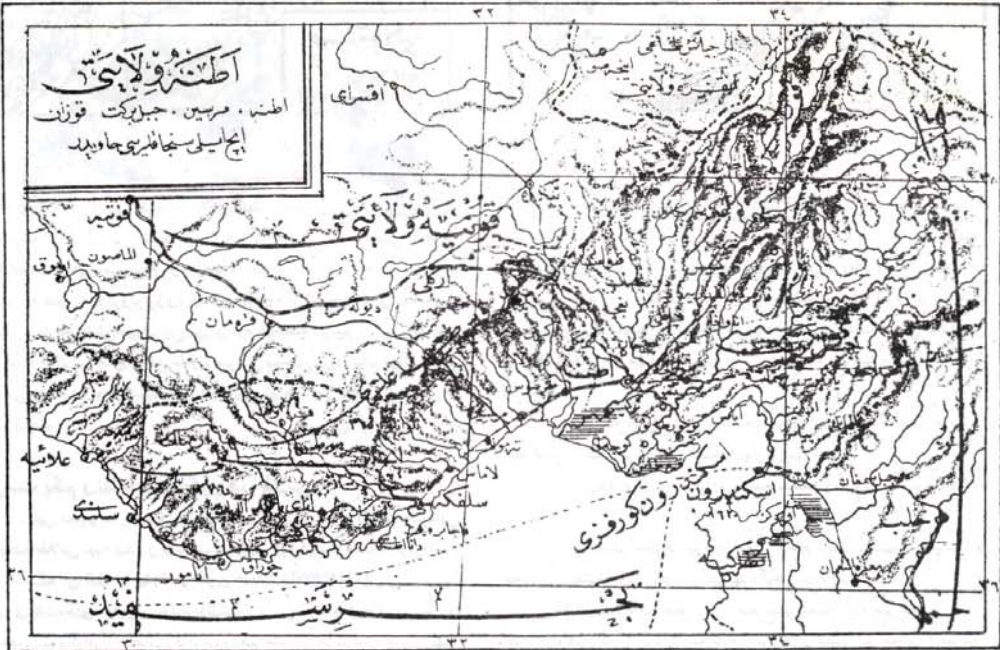
قرن چهاردهم و پانزدهم میلادی آنها راجدا و دور از منافع ایران می‌دانسته‌ایم اما اثر آن مستقیماً بعد از یکی دو قرن بر مسایل میهنی ما ظاهر شده است. در فهرست سوم و سلسله عثمانیان برای هر خط آن می‌توان حداقل به صورت «کرونولوژی» چندین صفحه از تاریخ ایران را ضمیمه و در برنامه تاریخ دانش‌آموزان این مرز و بوم تحشیه بزنیم. ستون اضافی مربوط به حکومت‌های ایرانی مقارن صرفاً و منحصرأ برای بیان دوران بسیار طولانی عثمانیان بوده است. امید آنکه اهل تاریخ، این مهم را به خوبی از عهده برآیند.

فهرست یکم و نقشه‌های کوچک اطلس

این مجموعه مشتمل بر ۵۶ نقشه از ایالات و ولایات عثمانی کوچک اطلس تهیه شده و بهتر است بحث را به کیفیت نقشه‌ها برگردانیم. اشاره شده که این نقشه‌ها مشتقه و ثانوی هستند (Deriwed). پس بی‌تردید یکسری نقشه‌های مادر در اختیار داشته‌اند و این نقشه‌های مادر می‌توانند نقشه‌های توپوگرافی - نظامی قرن نوزدهم عثمانی‌ها باشد. چون تهیه



شماره ۳۳ از فهرست یکم



شماره ۳۵ از فهرست یکم



شماره ۴۶ - از فهرست یکم نظام ایلات و عناوین نقشه‌ها

نسبت به پاریس نیست بلکه صفر مبدأ طولها همانند امروز گریونویچ یا گرینجیج است. دو نقشه کوچک از شهرهای آنقره و استانبول همچنانکه در اطلس‌های امروزه نیز متداول است.

در نقشه برگزیده از این اطلس «ترکیه سیاسی در مقیاس $\frac{1}{1,000,000}$ » آورده شده همراه با نمودار اقتصادی واردات و صادرات سال ۱۹۲۵ ترکیه (دو سال قبل از چاپ اطلس) و روشن است که این اطلس نیز ویژه مدارس تهیه شده است.

از اولین اطلس‌های لاتینی ترکیه

کمال اتاترک بانی جمهوری جدید ترکیه خط فارسی (و عربی) را به خط لاتینی تغییر داد تا نشانه دیگری بر پیوستن ترکیه به جرگه کشورهای اروپایی باشد و طبیعاً سری نقشه‌ها و اطلس‌ها در ترکیه با حروف لاتین چاپ می‌شدند. از این گروه اطلس RESIMLI - ATLAS را که باز هم یک اطلس آموزشی است برگزیده‌ایم. همانند «ایلیک اطلس» این اطلس نیز که زیر نظر Prof. Dr. Hamid Sadi (پروفسور دکتر حمید سعدی) تهیه

دوره هفتم، شماره بیست و ششم / ۳۱

شماره ۲۵ - از فهرست یکم نظام ایلات و عناوین نقشه‌ها

شریفین) کشیده می‌شد که داستان ناکامل آنرا در کتاب‌های تاریخ خوانده‌اید و حتی بر پرده‌های سینما آمده است.

- ۵- راه‌های عمده خاکی - آبی منعکس است.
- ۶- حجم توپونیمی و نام‌نگاری چندان دور از اجازه مقیاس نیست.
- ۷- درباره نمایش ارتفاعات قبلاً اشاره شده است.
- ۸- و بالاخره ایسن نقشه‌ها مشخص است که در یک بخش خصوصی با امکانات مختصر تهیه شده‌اند، نه در یک سازمان تخصصی قرن نوزدهم و امکان تولید دست دومی نیز مورد سؤال است.

درست ۲۰ سال بعد

اطلس کوچک دیگری به نام ایلیک اطلس را نمونه گرفتیم که با کوچک اطلس تنها ۲۰ سال فاصله زمانی دارد. در این زمان، نیز دیگر اثری از آن کزوفز امپراطوری نیست. خط و کتابت ترکیه هنوز فارسی (توام با عربی) است و تهیه اطلس از سوی مؤسسه معروف جورج فیلیپ، لندن است و آنقره هنوز آنکارا نشده است. مختصات طول جغرافیایی دیگر



فهرست اول - عناوین نقشه‌های امپراطوری عثمانی در کوچک اطلس که نمونه‌هایی از آن نقشه‌ها را آورده‌ایم

۳۳	طرابزون ولایتی
۳۴	ازمید سنجاغی
۳۵	اطنه (آدانا) ولایتی
۳۶	آیدین ولایتی
۳۷	درب سعادت
۳۸	اسکودر
۳۹	چناق قلعه بوغازی
۴۰	استانبول بوغازی
۴۱	بیغاسنجاغی
۴۲	مرمره حوضه‌سی
۴۳	شهر امانتی داره سی
۴۴	دیاریگر ولایتی
۴۵	قدس شریف متصرف لغی
۴۶	بیروت ولایتی
۴۷	معموره‌الغزیزولایتی
۴۸	جزائر ایالتی (الجزیره)
۴۹	دلتاه مصر
۵۰	ممالک عثمانیه بین صربستان و قره‌طاغ
۵۱	اروپای عثمانی
۵۲	روم ایلی شانه
۵۳	عثمانی عرب
۵۴	حجاز و سوریه
۵۵	بین‌النهرین و بادیه‌الشام
۵۶	آناتولی شامنه

۱	کریدولایتی (جزیره کرت) سنجاقلری ندارد
۲	بلغارستان ایالتی ولایت و سنجاقلری ندارد
۳	روم ایلی شرقی ولایتی نلبه خاصکوی - بورغاز سنجاقلری - حاویدر
۴	یوسنه ولایتی آلتی سنجاغی حاویدر
۵	قوصوه ولایتی
۶	جزایریهر سفیدولایتی ردوس - سافز - لیمنی - مدلتلی سنجاقلری - حاویدر
۷	ردوس اطه‌سی ۱۴۶۰ ک مربع (ردوس)
۸	قونیه ولایتی قونیه - نیکده - حمیدآباد - بوردور - نکه
۹	طرابلس غرب ولایتی
۱۰	یمن ولایتی
۱۱	بغدادولایتی بغداد کربلا دیوانیه اسمنده اوج سنجاقدر
۱۲	حریمه چولی شام شریف
۱۳	جبل لبنان سنجاغی
۱۴	تبلیس ولایتی - تبلیس - موش - سمره - کنج سنجاقلری حاویدر
۱۵	ارزروم ولایتی (ارزروم) - ارشروم ازرنجان - بایزید سنجاقلری - حاویدر
۱۶	قسطنونوی ولایتی - قسطنونوی - بولی - سینوپ
۱۷	کنفری - نامنده دورت سنجاقدر
۱۸	سیواس - سیواس - اماسیه - قره‌حصار شرقی - ترقاد سنجاقلری - حاویدر
۱۹	آنقره ولایتی - آنقره - بوزغاد قره‌شهر - حوروم - قیصری - نامیده دورت سنجاقدر
۲۰	حلب ولایتی حلب - مرعش - اورفه نامنده اوج سنجاقدر
۲۱	ادرنه ولایتی ادرنه - فرق کلیسا - تکفور طاغی - کلیبونی - سنجاقلری - حاویدر
۲۲	جزیره قبرس مساحه ۹۶۰۰ کیلومتر مربع نفوس ۲۳۰۸۰۰
۲۳	جزیره مدلتلی (طه‌سی) مساحت ۳۵۰۰ کیلومتر مربع
۲۴	جزیره ساقرا مساحت ۸۲۶ کیلومتر مربع
۲۵	یائیه ولایتی یائیه ارگری - برات - پروزه
۲۶	مناسترولایتی ۴ شهرستان
۲۷	موصل ولایتی موصل، کرکوک، سلیمانیه
۲۸	زورسنجاغی ۵ قضالری
۲۹	بصره ولایتی
۳۰	وان ولایتی
۳۱	سلاطینک ولایتی
۳۲	استقودره ولایتی
۳۳	خداوندگار ولایتی

شده به یکی از موسسات معروف اروپایی (اطریش) یعنی فریتاگ برنت وین سفارش داده شده و از کیفیت کارتوگرافی خوبی بهره‌مند است. به چند نمونه از اوراق این اطلس اکتفا کرده‌ایم هرچند این اطلس جمعاً ۱۰ برگ (۲۰ صفحه) بیشتر نیست لیکن پایه خوب و صحیحی از جغرافیای جهان را بدست می‌دهد. با کیفیت کارتوگرافی بالای دهه ۱۹۴۵-۱۹۵۵ و با تأثیری که دقت و زیبایی توأم نقشه‌ها بر نوجوانان می‌گذارد. آخرین نقشه اطلس که یک آسمان‌نمای کوچک است، شایان توجه از نظر اسامی فلکی است مانند اژدها - سنبله و تعدادی اسامی فارسی - ترکی و عربی و ... دیگر که از سوی دست‌اندرکاران نجوم شایسته بررسی است. قدر ستارگان در کلید راهنما آورده شده است.



فهرست دوم - نظام ایالات امپراطوری عثمانی در نهایت بسط و اقتدار آن حکومت

۳۶	بساوایی جنوبی (شمال غرب دریای سیاه)	۱	سلطان اونو
۳۷	قره‌طاغ (مونتنگرو)	۲	بیتونیا (بی‌تی‌نیا) خاستگاه عثمانیان
۳۸	الجزایر (شمال آفریقا)	۳	قره‌سی‌گالی‌پولی
۳۹	مِلداوی	۴	تراکیهٔ خاوری از بخش اروپایی ترکیه کنونی
۴۰	ارمنستان باختری	۵	قره‌مان شمالی در بخش جنوب آنقره
۴۱	ارمنستان خاوری	۶	روملی خاوری بخشی از بلغارستان
۴۲	بخشی از غرب آذربایجان	۷	تراکیه باختری
۴۳	بخشی از غرب کردستان	۸	مقدونیه (ومناستر) و سالونیک
۴۴	کیلیکیه زیر آدانا (آظنه)	۹	بلغارستان
۴۵	شام (سوریه)	۱۰	گرمیان خاوری (مرکز آناتولی)
۴۶	لبنان	۱۱	حمید گرمیان غربی بین قونیه و آیدین
۴۷	فلسطین	۱۲	صربستان بعدها بلغراد مرکز
۴۸	مصر	۱۳	بوسنه (بوسنی)
۴۹	حجاز	۱۴	هرزه‌گوین
۵۰	عسیر	۱۵	گرمیان باختری
۵۱	یمن	۱۶	صاروخان (ساروخان لیدیه قدیم)
۵۲	سیرناتیک (برقه)	۱۷	آیدین (ازمیر - اسمرنه زیر صاروخان)
۵۳	ردس	۱۸	منتشا (منتشه) کاریه قدیم
۵۴	مجارستان	۱۹	تکه شرق منتشا
۵۵	بساوایی شمالی (ر.ک ۳۶)	۲۰	کروات جنوبی
۵۶	یدیسان بالای کریمه	۲۱	افلاق باختری شمال دانوب بالای بلغار
۵۷	تونس	۲۲	افلاق خاوری
۵۸	بین‌النهرین (معروف به جزیره)	۲۳	قره‌مان جنوبی باین آنقره (ر.ک ۵)
۵۹	ترانسیلوانی غرب بخارست	۲۴	قزل احمدلی مرکز آناتولی غرب رود هالیس
۶۰	عدن	۲۵	نسالی در جنوب مقدونیه
۶۱	طرابلس	۲۶	آتیکامنطقه متصل به آتن
۶۲	طمشوار بالای صربستان	۲۷	موره پلوپونزوس
۶۳	احساء بحرین ساحلی	۲۸	جزایر ایونی جنوبی + اوترنتو در پایهٔ ایتالیا (موقت)
۶۴	قبرس	۲۹	قرم (کریمه شمالی)
۶۵	گرجستان (ایبری)	۳۰	ایروس
۶۶	قره‌باغ	۳۱	آلبانی
۶۷	داغستان	۳۲	طرانوران
۶۸	کرت (جزیره)	۳۳	جزایر اژه
۶۹	پودولیا شمال غرب دریای سیاه - بخشی از رومانی کنونی	۳۴	قرم جنوبی (کریمه) ر.ک ۲۹
۷۰	منگولیا غرب گرجستان (مین قره‌لی)	۳۵	دریای آزوف



فهرست سوم - سلسله نسب و اسامی سلاطین عثمانی و زمان حکومت آنها در طول ۶۳۳ سال

قرن میلادی	ردیف	نام	تاریخ میلادی	تاریخ هجری	مدت حکومت	حکومت‌های مفران در ایران	توضیحات و ملاحظات
اواخر قرن ۱۳ میلادی	۱	عثمان اول (پس از ظفر)	۱۳۲۶ - ۱۲۹۰	۷۰۶	۳۶ سال	ارغون‌نایان خانان	
قرن ۱۴ میلادی	۲	اورخان	۱۳۶۲ - ۱۳۲۶	۷۲۲	۳۳ سال	آخرین رده نایان خانان	
قرن ۱۴ میلادی	۳	مراد اول (خداوندگار)	۱۳۸۹ - ۱۳۶۲	۷۷۵	۳۰ سال	آل مظفر - اتابکان و آل جلایر	
قرن ۱۴ میلادی	۴	بایزید اول	۱۴۰۲ - ۱۳۸۹	۸۰۵	۱۳ سال	تیور	اسیر تیمورش
قرن ۱۵ میلادی	۵	محمد اول	۱۴۲۱ - ۱۴۰۲	۸۰۸	۱۹ سال	چانوشینان تیمور	موسی و سلیمان در حال نزاع
قرن ۱۵ میلادی	۶	مراد دوم	۱۴۵۱ - ۱۴۲۱	۸۲۷	۳۰ سال	فترت و حکام محلی	دوام بر اطوری و ۱۲ کشور ریکشد. شهر را گشود
قرن ۱۵ میلادی	۷	محمد دوم (محمد فاتح)	۱۴۵۳ - ۱۴۸۱	۸۵۷ - ۸۸۶	۲۹ سال	فترت و قرقه قویونلو و آق قویونلو	چم در حال نزاع تا ۱۲۸۲
قرن ۱۶ میلادی	۸	بایزید دوم	۱۵۱۲ - ۱۴۸۱	۸۸۷	۳۱ سال	شاه اسماعیل و طهماسب	با احمد در نزاع
قرن ۱۶ میلادی	۹	سلیمان اول	۱۵۲۰ - ۱۵۱۲	۹۱۸	۸ سال	شاه اسماعیل و طهماسب	معروف به سلیمان قانونی
قرن ۱۶ میلادی	۱۰	سلیمان اول	۱۵۶۶ - ۱۵۲۰	۹۲۶	۴۶ سال	شاه اسماعیل و طهماسب	
قرن ۱۶ میلادی	۱۱	سلیم دوم	۱۵۷۴ - ۱۵۶۶	۹۷۲	۸ سال	اسماعیل دوم - خداینده	
قرن ۱۶ میلادی	۱۲	مراد سوم	۱۵۹۵ - ۱۵۷۴	۹۸۲	۲۱ سال	شاه عباس صفوی	
قرن ۱۷ میلادی	۱۳	محمد سوم	۱۶۰۳ - ۱۵۹۵	۱۰۰۳	۸ سال	شاه عباس صفوی	
قرن ۱۷ میلادی	۱۴	احمد اول	۱۶۱۷ - ۱۶۰۳	۱۰۱۲	۱۲ سال	شاه عباس صفوی	
قرن ۱۷ میلادی	۱۵	مصطفی اول	۱۶۱۸ - ۱۶۱۷	۱۰۲۶	۱ سال	شاه عباس صفوی	
قرن ۱۷ میلادی	۱۶	مصطفی اول	۱۶۲۳ - ۱۶۲۲	۱۰۲۷	۱ سال	شاه عباس صفوی	به قتل رسید
قرن ۱۷ میلادی	۱۷	عثمان دوم	۱۶۲۲ - ۱۶۱۸	۱۰۲۷	۴ سال	شاه عباس صفوی	
قرن ۱۷ میلادی	۱۸	مراد چهارم	۱۶۴۰ - ۱۶۲۳	۱۰۳۲	۱۷ سال	شاه عباس صفوی	
قرن ۱۷ میلادی	۱۹	ابراهیم	۱۶۴۸ - ۱۶۴۰	۱۰۲۹	۸ سال	شاه صفی	خلع شد
قرن ۱۷ میلادی	۲۰	محمد چهارم	۱۶۸۱ - ۱۶۴۸	۱۰۵۸	۳۹ سال	عباس دوم	معروف به شکارچی خلع شد
قرن ۱۷ میلادی	۲۱	سلیمان دوم	۱۶۹۱ - ۱۶۸۷	۱۰۹۹	۴ سال	ادامه صفویه	
قرن ۱۷ میلادی	۲۲	احمد دوم	۱۶۹۵ - ۱۶۹۲	۱۱۰۲	۴ سال	سلطان حسین صفوی	
قرن ۱۸ میلادی	۲۳	مصطفی دوم	۱۷۰۳ - ۱۶۹۵	۱۱۰۶	۸ سال	سلطان حسین صفوی	خلع شد
قرن ۱۸ میلادی	۲۴	احمد سوم	۱۷۳۰ - ۱۷۰۳	۱۱۱۵	۲۷ سال	ادامه صفویه	خلع شد
قرن ۱۸ میلادی	۲۵	محمود اول	۱۷۵۲ - ۱۷۳۰	۱۱۲۳	۲۴ سال	نادر و افشاریه	
قرن ۱۸ میلادی	۲۶	عثمان سوم	۱۷۵۷ - ۱۷۵۲	۱۱۷۱	۳ سال	چانوشینان نادر	
قرن ۱۸ میلادی	۲۷	مصطفی سوم	۱۷۷۲ - ۱۷۵۷	۱۱۷۱	۱۷ سال	چانوشینان نادر	
قرن ۱۸ میلادی	۲۸	عبدالحمید اول	۱۷۸۹ - ۱۷۷۲	۱۱۸۷	۱۵ سال	زندیه	خلع شد
قرن ۱۹ میلادی	۲۹	سلیم سوم	۱۸۰۷ - ۱۷۸۹	۱۲۰۳	۱۸ سال	زندیه	
قرن ۱۹ میلادی	۳۰	مصطفی چهارم	۱۸۰۸ - ۱۸۰۷	۱۲۲۲	۱ سال	قاجاریه	
قرن ۱۹ میلادی	۳۱	محمود دوم	۱۸۳۹ - ۱۸۰۸	۱۲۳۳	۳۱ سال	قاجاریه	معروف به اصلاحگر
قرن ۱۹ میلادی	۳۲	عبدالمجید	۱۸۶۱ - ۱۸۳۹	۱۲۵۵	۲۲ سال	قاجاریه	خلع شد
قرن ۱۹ میلادی	۳۳	عبدالعزیز	۱۸۷۶ - ۱۸۶۱	۱۲۷۷	۱۵ سال	قاجاریه	خلع شد
قرن ۱۹ میلادی	۳۴	مراد پنجم	۱۸۷۶	۱۲۷۷	-	قاجاریه	معروف به ملعون آخرین سلطان
قرن ۲۰ میلادی	۳۵	عبدالحمید دوم	۱۹۰۹ - ۱۸۷۶	۱۲۹۳	۳۳ سال	قاجاریه	منشید عثمانی
قرن ۲۰ میلادی	۳۶	محمد پنجم	۱۹۱۸ - ۱۹۰۹	۱۳۲۷	۹ سال	قاجاریه	جنگ جهانی اول و افول امپراطوری عثمانی
قرن ۲۰ میلادی	۳۷	محمد ششم	۱۹۲۲ - ۱۹۱۸	۱۳۳۶	۴ سال	قاجاریه	معروف به وحیدالدین خلع شد
قرن ۲۰ میلادی	۳۸	عبدالمجید (خلعت)	۱۹۲۳ - ۱۹۲۲	۱۳۳۷	۱ سال	قاجاریه	
		جمهوریت از ۲۹ اکتبر ۱۹۲۳		۱۳۳۷	-	مفران فول قاجار و شروع بهلویها	

فهرست چهارم: گسترش و تصرف تعدادی از کشورها از سوی عثمانیان و سال انتزاع

نام کشور	سال تصرف از سوی عثمانیان	مدت تصرف	تاریخ انتزاع	کشور تصرف کننده با استقلال
الجزایر	۱۵۱۹ میلادی	۱۹۱ سال	۱۷۱۰ میلادی	مستقل تا ۱۴۰ سال
الجزایر	-	-	۱۸۵۰	فرانسه
لیبی	۱۵۵۱ میلادی	۳۶۱	۱۹۱۲	ایتالیا
تونس	۱۵۷۴ میلادی	۳۰۷	۱۸۸۱	فرانسه
مصر	۱۵۱۷ میلادی	۳۶۵	۱۸۸۲	بریتانیا
ماورای اردن	۱۵۱۷ میلادی	۲۰۱	۱۹۱۸	بریتانیا
حجاز	۱۵۱۷ میلادی	۳۹۹	۱۹۱۶	بریتانیا
عسیر	۱۵۱۷ میلادی	۳۹۹	۱۹۱۶	بریتانیا
یمن	۱۵۱۷ میلادی	۳۹۶	۱۹۱۳	ایتالیا و بریتانیا
عدن	۱۵۳۸ میلادی	۳۷۶	۱۹۱۳	ایتالیا بعد بریتانیا
فلسطین	۱۵۱۷	۴۰۰	۱۹۱۷	ایتالیا بعد بریتانیا
لبنان	۱۵۱۷	۴۰۳	۱۹۲۰	ایتالیا بعد بریتانیا
مروپوتامیا				
بین‌النهرین عراق حالیه	۱۵۳۴	۳۸۶	۱۹۲۰	ایتالیا بعد بریتانیا
سوریه	۱۵۱۶	۴۰۴	۱۹۲۰	فرانسه
قبرس	۱۵۷۱	۳۰۷	۱۸۷۸	فرانسه
آن	۱۴۵۰	۳۷۹	۱۸۲۹	استقلال
مقدونیه	۱۳۵۲	۵۶۰	۱۹۱۲	ایتالیا
آلبانی	۱۲۷۹	۲۳۳	۱۹۱۲	ایتالیا
صربستان	۱۲۵۹	۳۵۸	۱۸۷۸-۱۸۱۷	ایتالیا
		۴۱۹		
بوستنی	۱۲۶۳	۲۱۵	۱۸۷۸	اتریش

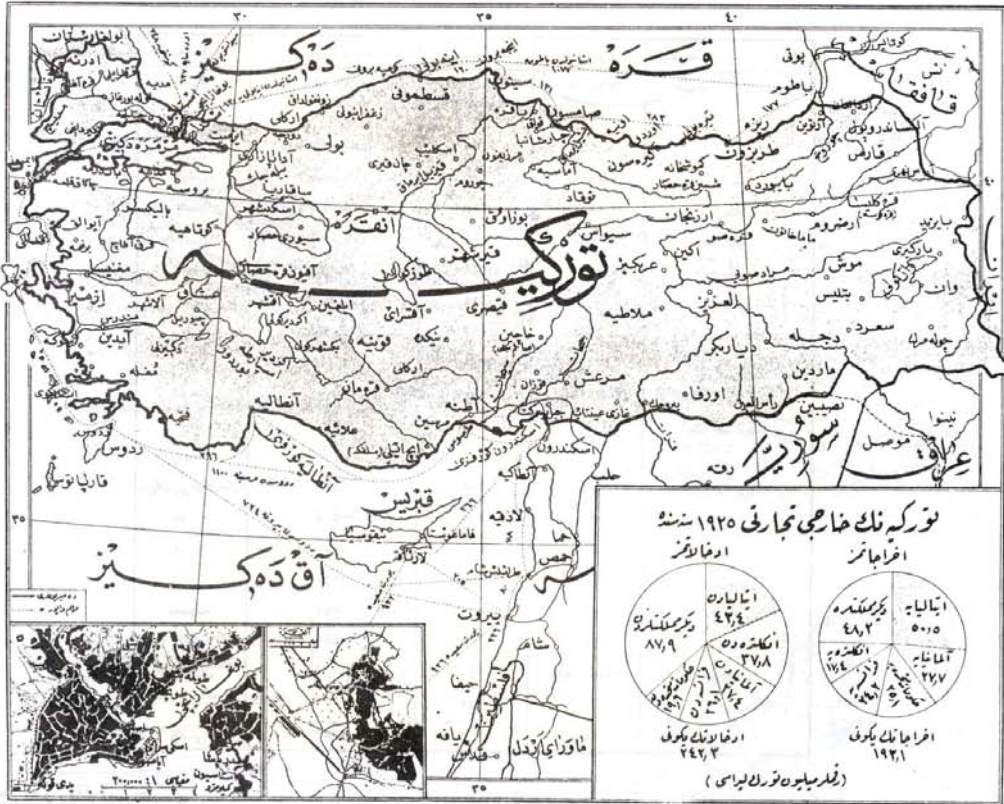
تجزیه و زوال امپراطوری

فروپاشی و زوال امپراطوری عثمانی در یک مقطع زمانی کوتاه صورت نگرفته است. نقشه‌های ۹ تا ۹ بر گرفته از منابع مختلف دوران‌های اوج و افول امپراطوری را نشان می‌دهند و جالب آنکه در منطقه شرقی عثمانی یعنی ایران غربی، تصرفات عثمانی با کفایت صفویه و بالاخره نادر کوه‌تازترین مدت است تا حدی که در جدول و فهرست برگزیده متعاقب، قابل ذکر نیست. آنچه در فهرست چهارم زیر آمده است برگرفته از همین گونه نقشه‌ها و اطلس‌ها است و چه بهتر که به عنوان اولین پایه اطلاعات عمومی نه فقط دانش‌آموزان و دانشجویان ما بلکه قشر وسیعی از جامعه در سطوح مجله‌ها و روزنامه‌ها از این آگاهی‌ها برخوردار باشند.

اطلس همزمان (جهانی)

در دهه‌های نیمه دوم قرن نوزدهم (میلادی) و دهه اول قرن بیستم حرکت‌های چشم‌گیری در نقشه‌نگاری (کارتوگرافی) جغرافیایی مشاهده می‌شود. دلیل اصلی آن برداشت‌های کوچک مقیاس نقشه‌برداری بوده

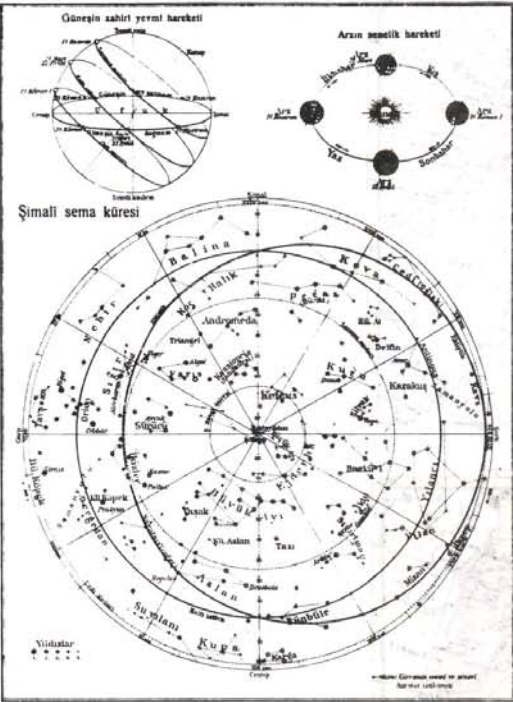
از سوی مؤسسات رسمی نقشه‌برداری اروپا که این نقشه‌ها به وسیله مؤسسات خصوصی ترسیم و چاپ نقشه کوچک و ترکیب می‌شوند و نقشه‌های یک برگی دیواری و اطلس‌ها را با کمک نقشه‌های مسافرین جهانگردان جغرافیایی از نظر اطلاعات راه‌ها، به روز و به هنگام در می‌آوردند و کار چاپ نقشه و اطلس کارسودآوری شده بود تا آنجا که در بسیاری از خانه‌ها - کتابخانه‌ها، ادارات و شرکت‌ها تابلوهای نقشه که زینت دیوارها می‌شدند. رقیب سرسختی برای تابلوهای نقاشی شده بودند (و اکنون نیز این مسأله مجدداً رایج شده است). ترسیم‌ها و چاپ روز به روز بهتر می‌شد. نقشه‌هایی از ایران و همسایگان در این دوران از سوی روسها - انگلیسی‌ها - اطریشی‌ها - سوئدی‌ها - آلمانی‌ها - فرانسوی‌ها و ... حتی عثمانیها، تهیه شده است که اغلب تهیه کنندگان آنها جغرافیدانان مأمور از سوی کشورهای خود بودند و چون بیشتر در مسیر راه‌های مارو و کاروان رو حرکت می‌کردند، محور اصلی کار آنها و یا به اصطلاح نقشه‌برداری قدیم خط هادی کار آنها، راه‌ها، بوده و «میل‌ها» و «میل‌های راهنما» نیز هادی مسیرها و فاصله‌ها بودند (نمونه میل نادر و میل فاورد بین کورمان و



بلوچستان). این «میل‌ها» از قدیم الایام در ایران جزء ایشیه و آثار ملی و کشوری به حساب می‌آمدند، همانند کاروانسراها، آب انبارها و قراولخانه‌ها و چاپارخانه‌ها و چون بحث مربوط به اطلس‌های مربوط به حدود یک قرن پیش است. در آن زمان نیز هر مؤسسه و پاشخصی ناشی که مناسبتی از نقشه‌های توپوگرافی و مدارک توفیقی همراه با کروکی آن خریداری و فراهم می‌کرد نمونه‌های مختلفی مرتباً به بازار عرضه می‌نمود. «محمد اشرف» نیز از جمله کسانی است که در آخرین روزهای عمر حکومت عثمانی (عبدالحمیدخان ثانی) در تولید و تجارت نقشه و اطلس بسیار فعال بوده و حتی نقشه‌هایی از غرب ایران نیز تدوین کرده بود که در تاریخ کارتوگرافی جایگاه ارزنده‌ای کسب نکرد بر خلاف ۱۲۰۰۰۰۰۰۰ های عثمانیان و بازم تأکید و یادآوری می‌کنیم که نهی اینگونه نقشه‌های تألیفی و مشتقه و ثانوی مدیون نقشه‌بردارهای توپوگرافی نظامی - نیمه‌نظامی و پیامرسانی‌های سیاسی آن زمان بود که در حقیقت نقشه‌های دقیق مبنا و پایه را برای این آورده‌ایم.

ناشرین فراهم می‌کردند، در منابع مختلف اروپایی در باره نقشه‌های ۱۲۰۰۰۰۰۰ عثمانیها از غرب آذربایجان و کردستان ایران سخن رفته است که همزمان با سایر نقشه‌های توپوگرافی موضعی و منطقه‌ای سایر کشورهای توسعه‌گر پیش از جنگ جهانی اول بوده‌اند.

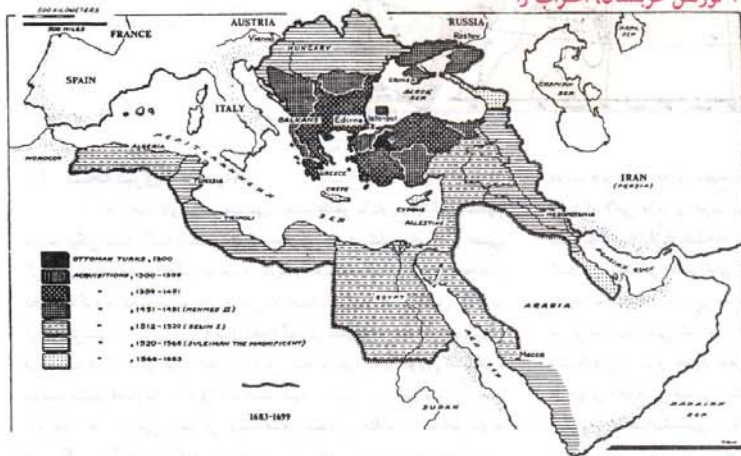
به اطلس همزمان برگردیم که آقای «محمد اشرف» همزمان با «کوچک اطلس» اطلسی دیگر تحت نام «جغرافیای عمومی اطلسی» چاپ و منتشر کرده است و تفاوت اصلی آن با کوچک اطلس اینست که به جای نقشه‌هایی از کشورهای تابع امپراطوری عثمانی، نقشه‌های جغرافیایی کوچک مقیاس از کشورهای جهان داده است - مطالب مقدماتی و آماری نیز مشترک است که ما از نظر آشنایی شما با اطلاعات آنروز چند صفحه از آمارهای (ایستاتیسیتی Statisties) مربوط به مدارس عثمانی - راه‌آهن و دخل و خرج کشور را از این اطلس دوم جهانی محمد اشرف آورده‌ایم.



نقشه آسمان از اطلس رسم‌لی



این لوکوموتیو زنگ زده یادگاری از شکست عثمانیان در جنگ جهانی اول است که در سال ۱۹۱۷ لورنس عربستان، اعراب را برضد تسلط عثمانیان برانگیخت.



گسترش امپراطوری عثمانی از ابتدای آن در قرن چهاردهم (هشتم هجری) تا اوج آن در نیمه دوم قرن هفدهم (یازدهم هجری)



۱۰- نتیجه‌گیری و توصیه‌ها

۱- هر چند کار مؤسسات تهیه نقشه ظاهراً با تاریخ ارتباط مستقیم ندارد، لیکن بسیار گفته شده است که جغرافیا بستر تاریخ است و حتی گروهی از نقشه‌ها و اطلس‌ها صرفاً تاریخی هستند. اما در همین مختصر ملاحظه کردید که چگونه یک اطلس نه چندان کهنه و چند اطلس متعاقب آن (به ترتیب ۲۰ سال و ۳۰ سال بعد) گویای حال یک امپراطوری بزرگ درازمدت هستند. در مورد علل و دلایل بسط و افول امپراطوری عثمانی، تاریخ‌نویسان قضاوت کرده و خواهند کرد. منتهی از آنجا که تاریخ و جغرافیای هر سرزمین و هر قوم ریشه‌ها و ریشه‌های متقابل و متعامل دارند این دیگر بر ذمه و عهدهٔ اهل جغرافیا و تاریخ کشور ما است که دست در

دست هم فرآورده‌های تنفیخ شده و بی‌طرف شده‌ای از آنچه بر جای جای میهن اسلامی ما و پیرامون آن گذشته است در اختیار تولید کنندگان نقشه بگذارند و متقابلاً از نقشه‌ها مدد بگیرند. کتاب تاریخ بی نقشه کمتر چاپ کنند و نقشه‌ها و اطلس‌های تاریخی که دیگران تهیه کرده‌اند ارزیابی و تقریظ نمایند. سازمان میراث فرهنگی، بنیادهای علمی فرهنگی جدید، مراکز استان‌شناسی که اخیراً فعال شده‌اند به مدد بیایند. به گروه‌های دانشگاهی قدیم و جدید جغرافیا در دانشگاه تهران و سایر دانشگاه‌ها طرح‌های مطالعاتی میدانی بیشتری ارجاع گردد. سفرهای مطالعاتی (زمینی - گروهی) باستان‌شناسی، زبان‌شناسی، تاریخی، جغرافیایی و .. هم‌آهنگ و چند منظور شوند. از نیروهای جوان دانشجو غافل نباید بود تا هر روز بر

پیوست ۱

«فتح ملازگرد (ملازگرد) در سال ۴۶۳» (۱۰۷۰ میلادی) از سوی سلجوقیان ایران

در سال ۴۶۲ امپراتور روم شرقی رومانوس دیوجانس^۵ با یک لشکر عظیم به حمله به بلاد شام پرداخت و مسلمان و امیر مدراس حلب یعنی محمود بن صالح را مغلوب ساخت و محمود که تا این تاریخ خود را مطیع و پیرو خلفای فاطمی مصر قرار داده بود چون انحطاط شوکت فاطمیان و دولت روزافزون آلبراسلان را مشاهده کرد از علویان مصری رو گرداند و قبل از آنکه گرفتار حمله آلبراسلان شود در سال ۴۶۳ در حلب به نام قائم عباسی و آلبراسلان خطبه خواند و در همین تاریخ بود که در مکه و مدینه نیز نام مستنصر فاطمی را از خطبه انداختند و بجای آن نام قائم و آلبراسلان را گذاشتند.

آلبراسلان با وجود اینکه محمود بن صالح خود را مطیع سلطان خوانده بود به ولایت حلب آمد و از محمود خواست که به پیشگاه او حاضر شود. محمود امتناع کرد و سلطان به محاصره حلب پرداخت. خلافت محمود جز تسلیم چاره‌ای نداشت و با مادر خود به حضور آلبراسلان رسید و سلطان او را به وساطت مادرش بخشود و حلب در سال ۴۶۳ مسخر سلطان سلجوقی شد.

رومانوس دیوجانس برای فتح بلاد از دست رفته ارمنستان و حدود غربی ممالک خود در همین سال ۲۰۰۰۰۰ سپاهی مرکب از یونانیان و گرجیان و مردم بلغار و روسیه و فرانسه به آسیای صغیر آمد و در شهر ملازگرد (مابین دریاچه وان و ارزنه الیزوم در شمال اخلاط) اردو زد. آلبراسلان با اینکه ۱۵۰۰۰ سوار ترک بیشتر همراه نداشت به مقابله با امپراتوری شتافت و ابتدا اهل و عیال خود را به همراهی خواجانه نظام الملک به همدان فرستاد.

آلبراسلان با وجود آنکه در نزدیکی اخلاط بر مقدمه سپاه رومانوس دیوجانس غلبه یافت از آنجا که از قوت لشکریان خود بیمناک بود از امپراتور طلب صلح کرد، لیکن امپراتور مفرور گشت که در شهر ری با یکدیگر صلح خواهیم نمود. آلبراسلان دل به دریا زد و به عنوان مجاهدی که جز فتح با شهادت جوایب مقصود دیگری نیست با همراهان خود که سوارانی متعصب و چابک بودند به نام دفاع از اسلام در نزدیکی ملازگرد بر رومیان تاخت و ترکان سلجوقی با همان سیره عاشری که در حمله و جنگ و گریز داشتند با وجود کمی تعداد به قدری از سپاه روم کشتند که بی‌اغراق زمین از کشته پوشیده شد و امپراتور در جنگ ایشان اسیر افتاد و او را نزد آلبراسلان آوردند. سلطان ابتدا سه تازیانه بر سر او زد و گفت چرا به دعوت صلح من جواب مثبت ندادی، امپراتور از شدت تأثر پاسخ داد که دست از سرزنش من بردار و هر چه خواهی بکن. آلبراسلان در مقابل گرفتن ۱۵۰۰۰۰۰ دینار او را عفو کرد و با صلحی به مدت پنجاه سال بست و رومانوس دیوجانس را به کشور خود بازگرداند.

فتح ملازگرد یکی از وقایع مهم تاریخ آسیای غربی است. چه از این تاریخ به بعد رومیان که از اواسط عهد اشکانی همواره در ارمنستان اعمال نفوذ می‌کردند و با وجود مجاهدات پادشاهان اشکانی و ساسانی و مسلمان هنوز دست دراز و چشم طمع ایشان از این ناحیه برداشته نشده بود، دیگر روی این بلاد را نندیدند بلکه پس از این واقعه نواحی باقیمانده آسیای صغیر هم به تدریج از کف ایشان به در رفت و تمدن یونانی و آداب روم که به پشتیبانی امپراتوران قسطنطنیه تا حدود اتران و آذربایجان دامنه نفوذ و راه رسوخ داشت، با فتح ملازگرد و شروع استیلای ترکان سلجوقی شروع به زوال کرد و تمدن و آداب اسلامی و زبان فارسی به تدریج جای آنها را گرفت (صفحات ۳۲۵ تا ۳۲۷ - تاریخ ایران - عباس اقبال آشتیانی).

گنجینه این گونه اطلاعات افزوده گردد و گوشه‌های نهفته و تاریک تاریخ، از دل خاک‌ها سخن بگویند. زمان آن فرا رسیده است که هرودوت و گزنفون و پروکوپئوس و شاهنامه‌ها و خداینامه‌ها و کارهای طبری و عطاملک جوینی و دیگران بدون ویرایش اساتید کارشناس دست‌اندرکار ایرانی در صفحه مانتورها، در اکتاف جهان بخش نشوند. از ایالات غرب چین تا جلگه توران و از موهنجودارو تا سواحل عمان و حضرموت و یمن و کشورهای تازه استقلال یافته آسیای میانه انبوهی از کار و مطالعه دفتری و میدانی در پیش است و آن روز چندان دور نیست که به کارها و تحقیقات ایرانی و خودی بهای اول را بدیمیم و آنگاه کارهای صاحب‌نظران بی‌نظر را از جامعه بشری و از هر قوم و قبیله و ملت که باشند ارج گذاریم و زحمات تولیدکنندگان نقشه را دست کم نگیریم.

۲- همه ساله صدها هزار و تدریجاً میلیون‌ها برگ نقشه آموزشی در کشور ما تهیه و چاپ و توزیع می‌شود. در طبقه‌بندی کیفیت این نقشه‌ها و اطلس‌ها در پنج رده آموزشی ابتدایی - راهنمایی - متوسطه - دانشگاهی و فوق‌دانشگاهی برنامه‌ریزی قوی‌تری داشته باشیم و کیفیت نقشه‌های ابتدایی و راهنمایی را با امکانات جدید کامپیوتری بالا و بالاتر ببریم.

۳- در نقشه‌های دویاری کتابی مربوط به جمهوری اسلامی ایران محدوده خارج از مرزهای کنونی ایران را به حد معقولی گسترش دهیم، مشروط بر اینکه اطلاعات برون مرزی در این نقشه‌ها در حد متعادل نسبت به اطلاعات درون مرزی باشد و اینکار در همه نقشه‌های تاریخی نیز منظور و مراعات گردد.

۴- به هیات‌های کارشناسی ویژه هر رشته از علوم جغرافیایی و تاریخی، رسمیت و امکانات و قانونمندی بیشتری بدهیم. این هیات‌ها و انجمن‌ها و جوامع و بنیادها، اگر برادرهای کاری هم سو داشته باشند و کمترین مدت تلاشهای آنان به بار بیشتری خواهد نشست و ثمره آن تنها غنای آموزشی کشور در سطوح مختلف نخواهد بود بلکه در زمینه‌های توسعه، انگیزه‌پردازی و شیوه‌ساز خواهند بود.

۵- سخن مهم ولی حاشیه در این بحث اینکه دست اندرکاران امور کشور و مسئولین رده‌های بالا و برنامه‌ریزان بر کارهای مربوط به انواع نقشه ارجح می‌گذارند و این ارجح‌گذاری روز افزون است. پاسخ این توجه تلاش بیشتری در ارتقای کیفیت داده‌های نقشه‌برداری و لایه‌های مهم GIS - هماهنگی‌ها و همسویی‌ها و پرهیز از دوباره‌کاری و چند باره کاری‌ها است و یکبار دیگر توصیه تبلیغ صحیح و مرتب در سطح جامعه را در مورد امور نقشه‌برداری و جغرافیایی یک تعارف تلقی نفرمایید و انشاء... که موفق باشید. □



پیوست ۲

در نور آتش اردوگاه ساختن سنگرهای اجتماعتی برداشتند تا اینکه خندق‌ها و سنگرهای متعدد و محل استقرار توپ‌ها را در خطی بطول دو کیلومتر تا دهکده‌های بنام گریوینسا بر فراز تپه این کوه احداث کردند. پشت سر آن‌ها هم دو سنگر اجتماعتی که به استحکامات گریوینسا مشهور شد با دیوارهایی با ضخامت و ارتفاع شش متر که دور ناورشان خندق حفر شده بود احداث کرد تا در صورتیکه روسها بخواهند از این طرف حمله کنند، آنها را زیر آتش پوختانه قرار دهد. در هر یک از این استحکامات هزار سرباز در وضع نسبتاً مناسبی مستقر شده و با اتافه‌ای که از منازل روستاهای اطراف مصادره کرده بودند خوابگاه و انبار آذوقه بوجود آورده و در زیرزمین آن هم انبار مهمات خود را قرار داده بودند.

قبل از پایان ماه ژوئیه پلونا بصورت یک قلعه تسخیرناپذیر درآمد. بود و مدافعان ترک آماده دفاع بودند. پهنه یک از سربازان ۵۰۰ عدد فشنگ و جیره نان خشک و قهوه کافی داده شد. در داخل استحکامات هم آب و آذوقه و کلاهخود و سرزینه بلندآره کافی ذخیره شده بود. گاردهای اسبی آماده حمل مجروحین به پشت چپه و اسبها آماده حمل پوختانه به شهر در صورت سقوط استحکامات بودند.

اکتوبر دیگر عثمان کاری نداشت جز اینکه در انتظار حمله بماند. وضع پلونا بظاهر عادی بنظر می‌رسید، هرچند هیچکس اجازه نداشت بان وارد و با خارج شود. ابتدا کسبه و رخت‌تازه بلغاری دکاهانشان را بستند ولی پس از آنکه عثمان چند سرباز ترک را که دست به غارت می‌نهادند زده بودند اعدام کرد، جرئت یافتند و دیواره مشغول کسب و کار شدند. در شهر آذوقه بلندآره کافی وجود داشت و طبیعتاً پلونا فقط زودخوردهای موضعی بین طرفین صورت می‌گرفت، بازار بزرگ پلونا وضع خاصی داشت چون سربازان چرکسی به فروش اوتیفورهای روسی، صلیب‌های قرمزی و اسکناس‌های روبل غارت شده اشتغال داشتند. رسم ناپسند غارت و تاراج در ارتش عثمانی از دیرباز وجود داشت و عثمان هم نمی‌توانست از آن جلوگیری کند.

غروب روز ۲۹ ژوئیه آرچیبالد فوربس خبرنگار دلی‌نوز از محافل نزدیک به ستاد ارتش روسیه شنید که قرار است روز بعد ۲۵۰۰۰ سرباز و ۱۷۰ هزاره توپ به استحکامات گریوینسا حمله کنند.^۶ فرمان ارتش روسیه به سربازان چنین بود: «به‌یروز شوند، بهر بهائی که باشد.»

حمله در ساعت یازده صبح روز بعد آغاز شد. ترکها در درون استحکاماتشان مقاومت کردند و سه موج سربازان خاکستری‌پوش روسی را دفع نمودند، چون فشنگهای قدیمی روسها قابل مقایسه با فشنگهای جدید و نه پرتیبادی آمریکائی که عبدالحمید اخیراً نیم میلیون قیضه از آنها را ابداع کرده بود، نبود. تا وقتی تزار دستور داد نیروی ذخیره ده هزار نفری وارد میدان کارزار شوند، ترکها از جایشان نکان نخوردند و از درون استحکامات و سنگرهایشان از فاصله نزدیک به سربازان روسی تیراندازی می‌کردند. اما ورود این نیروی ذخیره به صحنه، کفه را بتیغ روسها سنگین کرد. سربازان روسی به کنار خندقهای ترک رسیدند و فوراً پس از دور شاهد برق سرتیغها بود و مشاهده کرد که ترکها به تدریج به پشت مواضع پوختانه‌شان عقب‌نشینی می‌کنند. روسها نخستین سنگر را تسخیر کردند و بنظر فوربس چنین می‌رسید که راه پلونا بررویشان گشوده است. یک افسر روسی فریاد زد: «امشب شام را در پلونا صرف خواهیم کرد.»

اما ترکهای که در درون استحکامات موضع گرفته بودند، حملات پی‌درپی

محاصره پلونا را برگرزیدیم برای اینکه روشتر کنیم چهره سرداران و قهرمانان تزلزل و افول آنها جان فشانی نموده و همه تلاش آنها هدر رفته است و این گفته آن سرباز پیری را به یاد می‌آورد که در سپاه نادر خوب می‌چنگید و نادر از او سوال کرد، چرا در حمله افغان اینگونه نتجنگیدی، پس آن زمان کجا بودی؟ سرباز پیر پاسخ داد من بوم چون نویی بالای سرم نبود تاریخ از این نمونه‌ها فراوان دارد.

محاصره پلونا

شهر کوچک و آرام ۱۷۰۰۰ نفری پلونا در بلغارستان که صحنه بزرگترین نبرد تاریخی بین روسیه و ترکیه در تابستان و زمستان سال ۱۸۷۷ میلادی (۱۲۹۴ ق) قرار گرفت، در یک دره عمیق واقع شده و تپه‌های اطراف آن پوشیده از تاکستان و مزارع گل آفتابگردان می‌باشد. در سه طرف این شهر بلندبها، گردنه‌ها و پرتگاههای سنگی وجود دارد که پلونا را تسخیرناپذیر ساخته است و طرف چهارم آن تپه مرتفعی بر از باغهای میوه می‌باشد. اهمیت استراتژیکی پلونا از آنجا ناشی می‌شد که سر راه رودخانه وید قرار گرفته است.

پلونا از سمت شمال مورد هجوم یک ارتش ۱۸۰۰۰۰ نفری روس با ۸۰۰ هزاره توپ آماده شلیک قرار گرفت. روسها قبلاً قلعه نیکوپولی واقع در سی کیلومتری شمال پلونا در ساحل دانوب و همچنین گذرگاه شیبگا را که دروازه کرهستانی بالکان بشمار می‌رود، تصرف کرده بودند. در هر دو این نقاط آنها با مقاومت مختصری از جانب ترکها روبرو شده بودند و دلیلی بنظر نمی‌رسید که پلونا هم بهمین آسانی سقوط نکند و جاده صوفیه و قسطنطنیه در برابرشان گشوده نشود.

اما این بار عبدالحمید در برابر خطری که کشورش را تهدید می‌کرد، واکنش سریع نشان داد و یک لشکراف فوری به سپاه ترکیه مستقر در ویدن واقع در دانوب علیا تحت فرماندهی عثمان‌پاشا مخایره کرد و به او دستور داد بسرعت خود را به پلونا برساند و علاوه کرد: «دایم‌نوری عثمانی بین مرگ و زندگی قرار گرفته است.»

عثمان پاشا مردی چهل ساله بود که قبلاً در جنگ کریمه شرکت نموده و یک سرباز واقعی بشمار می‌رفت. او سردی کوتاه‌قد، کم‌حرف، دارای قدرت فرماندهی، شخصیت باوقار و حسن انضباط آهنین بود که در سحرگاه روز ۱۳ ژوئیه در رأس سپاه پنجاه هزار نفری خود بسوی پلونا که در فاصله ۱۸۰ کیلومتری قرار داشت عزیمت کرد. سربازانش یک ستون پانزده کیلومتری تشکیل داده و آذوقه یک هفته خود را که عبارت از نان دوآلکه خشک بود که فقط با چکشی می‌شد شکست و در آب خیسانند تا قابل خوردن شود، حمل می‌کردند.

وقتی عثمان پاشا در ۱۹ ژوئیه به پلونا رسید، تپه‌ها و دهکده‌های پراکنده اطراف دره را دور زد و باین نتیجه رسید که به استثنای موانع طبیعی، پلونا به هیچ وجه قابل دفاع نیست و چون می‌دانست بزودی تزار فرمان حمله به قشونش را خواهد داد، نخستین کارش این بود که دستور داد پیرامون شهر به حفر خندق و ساختن استحکامات بردارند. قسمت عمده قوای روسیه در شمال و شرق پلونا ارد زده و باین جهت عثمان مطمئن بود نخستین حمله از این جانب صورت خواهد گرفت که تیغه کوهی بنام جانیک بایر به ارتفاع ۱۳۰ متر و بطول دو کیلومتر و نیم مشرف بر دره بود. لذا دستور داد سربازانش روزها و حتی شبها

هیچکس به اندازه سلطان در قسطنطنیه و تزار در پست جبهه، از پیروزی عثمان شگفت‌زده نشد. عبدالحمید پدیدریگ یک قبضه مستعین مرصع برای عثمان فرستاد و او را به لقب «غازی» مفتخر کرد. امپراتوری عثمانی که در لیه پرتگاه سقوط قرار گرفته بود، در عرض یک روز بصورت کشوری درآمد که نوانست بود روسهای کافر را شکست بدهد. علاوه بر این عثمان پاشا نه فقط به عبدالحمید فرست داد، بود که ملکه ویکتوریا را وادار به ارسال کمک نماید، بلکه پیروزی غیرمنتظره او باعث تحسین ترکیهای ناراضی و فراموش کردن فجایع بلغارستان شده بود.

واکنش تزار در مقر فرماندهی‌اش در پست صوفی ارتش روسیه بکلی متفاوت و حاکی از نگرانی نزدیک به وحشت بود. شایعاتی رواج داشت که عثمان پاشا درصدد تعقیب ارتش روسیه است. هزاران نفر از سربازان روسی به رومانی گریختند و پرنس شارل فرمانروای رومانی، نگرانی باین مضمون از گراندوک نیکلا دریافت کرد: «فوراً به کمک ما بشتابید. ترکیها دارند ما را نابود می‌کنند. مسیحیت در خطر است.» گلنگر از عقب‌نشینی روسها به ساحل شمالی دانوب در میان بود زیرا سپاهیان روسی در یک نیمه‌مایل ۱۲۰ کیلومتری آسیب‌پذیر پراکنده شده بودند. ولی تزار زیر بار ترقت و اظهار نمود این عقب‌نشینی به معنی مها کردن مسیحیان بلغارستان بدست ترکیها است و او نمی‌تواند با چنین عملی حیثیت و آبروش را از دست بدهد.

عثمان پاشا به حقایق واقف بود و خیال بلندپروازی نداشت. گرچه او در یک سوره فاتح شده بود ولی بقرن داشت روسها دست به حمله جدیدی خواهند زد که به شک از حمله نخست دامنه‌دارتر و شدیدتر خواهد بود. لذا پدیدریگ دستور ساختن حلقه‌ای از استحکامات تودرتو داد. در جبهه شمالی ترکیها شروع به ساختن پنج سنگر اجتماعی جدید که با حندقهای سروپوشیده به استحکامات اولیه در سخره‌های جانبی بایر مربوط می‌شد. در جنوب‌شرقی نیز شش سنگر و در جنوب هم شش سنگر دیگر ساختند. با توجه به مصالح ابتدائی ساختمان که در بنای این سنگرها بکار رفته بود، در نوع خود کار قابل ملاحظه‌ای بشمار می‌رفت. اغلب آنها دارای دیوارهایی به ضخامت شش متر و ارتفاع دو متر و نیم بودند و پیرامونشان حندقهایی به عرض پنج متر و عمق سه متر حفر شده بود. درون دیوارها سوراخهایی برای جای تفنگ تعبیه شده بود تا حملات دشمن را از هر طرف به عقب برانند و از فراز آنها تا شعاع سه کیلومتری را می‌شد زیر نظر داشت. هر یک از سنگرها با سیم تلگراف با ستاد عثمانی مربوط بود به هر یک از سربازان ترک شصت و ششگ دادند و هزار فشنگ اضافی هم به عنوان ذخیره در دسترس هر یک قرار گرفت. سربازان جیره هشت روز خود را که شامل برنج و ذرت برای پختن پلو و آغوش بود، دریافت کردند و چند گله گوسفند هم در پشت سر استحکامات برای تهیه عوراک اضافی نگهداری می‌شد. صدگله برای هر یک از توپها و گامیش و اسب برای عقب کشاندن آنها در صورت لزوم در نظر گرفته شد.

سحرگاه روز ۱۱ سپتامبر باران خفیفی می‌بارید و مه سفید و غلیظی دره‌های اطراف پلونا را پوشانده بود که حمله روسها آغاز شد توپخانه روسها چهار روز متوالی مواضع ترکیها را زیر آتش گرفت و مجموعاً ۳۰۰۰۰ گلوله بر روی استحکامات و سنگرهای ترک شلیک کرد. هر چند در این مدت ۵۰۰ سرباز ترک بقتل رسیدند ولی ترکیها توانستند هرسب خساراتی را که توپخانه در طی روز وارد می‌کرد مرتت نامایند و روسها هم با وحشت دریافتند که روحیه ترکیها تقویت شده است. دکتر چارلز رایان پزشک استرالیایی که در بهداری ترکیها خدمت می‌کرد، مشاهده کرد که زخمی‌ها که در ماه اوت بی‌عاطفه بودند اکنون در زیر باران گلوله به او پیشنهاد کمک می‌نمایند. هرگز امید روسها به این که گوی-

روسها را به عقب می‌رانند. در این هنگام عثمان نیروی ذخیره خود را وارد صحنه تیرد کرد. فورس صدای شیبوری را از دور شنید که فرمان حمله ترکیها بود. لحظاتی بعد تاکستانهای اطراف پر از سربازان ترک گردید. این بار توپ خط دفاعی روسها بود که پس از مقاومت کوتاهی در هم شکست و سربازان راه فرار را پیش گرفتند. در عرض چند دقیقه وضع صحنه تیرد بکلی تغییر یافت و با تازیک شدن هوا عثمان با توجه به وحشتی که در میان سربازان روس افتاده بود، دست به حمله متقابل زد و مواضع اولیه خود را پس گرفت. پاسی از شب گذشته سربازان چرکس به بریدن سر مجروحین روسی و ترکیها به تعقیب سربازان فراری اشتغال داشتند. در نخستین روز جنگ تلفات روسها بالغ بر ۷۰۰۰ سرباز و ۱۶۸ افسر می‌شد. فورس گزارش داد: «وضع جبهه بکلی عوض شده و با چنین مقاومتی از جانب ترکیها، روسها دیگر نمی‌توانند به حملات خود ادامه بدهند.»

در این هنگام دولت انگلیس تصمیم گرفت تاوگانی مرکب از چند رزمناو برای دفاع از قسطنطنیه اعزام نماید.



مراسم نماز جمعه در مسجد سلطان احمد - که هنوز یکی از باشکوه‌ترین نقاط دیدنی استامبول می‌باشد



دور مشاهده کرد تا اسب اسکولف تیرخورد و او پیاده افرادی را نشویند به عبور از خندق و بالاترین از دیوار سنگی اجتماعی می‌کرد. در این موقع صدای شلیک گلوله تقریباً قطع شده و طرفین با سر نیزه بجان هم افتاده بودند. بلافاصله ترکها شروع به عقب‌نشینی کردند و سیل افرادی از جانب دیگر تپه به پایین سرازیر شد و اسکولف توانست حیاتی‌ترین سنگر اجتماعی را که دروازه پلونا بشمار می‌رفت، تصرف کند.

نقعات اسکولف بسیار زیاد بود و ۳۰۰۰ نفر طی حمله به قتل رسیده بودند ولی شکست ترکها کامل بود. عثمان پاشا با دو برین توانست پرچم زمین سفید با عقاب دوسر روسها را بر فراز استحکامات فتح شده بپوشد و مطمئن بود که اگر روسها بتوانند استحکامات مجاور را هم روز بعد بگیرند، دیگر دفاع از پلونا غیرممکن خواهد بود و سقوط خواهد کرد. لذا به سنگرهای شمالی تگراف زد که هر چه می‌توانست قوای کمکی برایش بفرستند. او می‌خواست صبح روز بعد استحکامات مزبور را پس بگیرد.

عثمان در حالیکه مقدمات ضدحمله را فراهم می‌کرد، نسیب‌انست اسکولف برای حفظ استحکاماتی که فتح کرده با چه مشکلاتی روبرو شده و نقاضای اعزام کمکش هم از جانب ستاد رد شده است. آتش توپخانه ترکها از سنگرهای مجاور، او را بی‌اندازه ناراحت می‌کرد و نگهداری سنگر اجتماعی فتح شده را با نفراحت ناچیزش که در میان حوضچه‌هایی از خون ایستاده با دراز کشیده بودند، بسیار مشکل می‌ساخت. منحوطه سنگر از اجساد مردگان و زخمی‌ها پوشیده بود و باران هم بیرحمانه می‌بارید. با این همه اسکولف مطمئن بود که اگر قوای کمکی برای بفرستند، روز بعد در کوه‌های پلونا خواهد جنگید.

هنوز هوا تاریک نشده بود که اسکولف تصمیم گرفت سوار بر اسب به مرکز ستاد برود و بغول خودش و سسی کند زئراهای احقر روس را که فقط دروس نظامی را بلد بودند، وادار به اعزام قوای کمکی بنماید. اما این کار هم بیفیده بود و یاد پاسخ دادند: چنین کاری مقدور نیست زیرا نیروی ذخیره وجود ندارد. اسکولف توانست فقط تعدادی فشنگ اضافی برای فشکهای وگرنکه افرادی را بگیرد و مراجعت کند. اما بعضی از سربازان او با تفنگ و برده‌ان، مجهز بودند که کالیبرشان متفاوت بود اسکولف خستگی ناپذیر بد تن از سربازانش را وادار کرد که فشنکهای برده‌ان را بنار اسپان کرده و به تاخت خود را به استحکامات برسانند.

عثمان پاشا قبل از طلوع آفتاب میادرت به ضد حمله کرد. وی از مرکز ستادش در جنوب پلونا نخستین موج حمله کندگان را که بالغ بر ۵۰۰۰ سرباز بود به سوی استحکامات فرستاد. اما این عده با دادن ۵۰۰ نفر نقعات در کنار دیوارهای سنگر عقب رانده شدند. در این هنگام پیامی از مرکز ستاد روسیه به اسکولف رسید که اگر عثمان می‌توانست عرق در خوشحالی می‌شد. مفاد این پیام چنین بود: «اگر نمی‌توانید سنگر اجتماعی را که تصرف کرده‌اید حفظ کنید، می‌توانید عقب‌نشینی کنید چون ما تصمیم به ادامه حمله نداریم»

اسکولف می‌گوید این بدترین دستوری بود که در دوران خدمات نظامی‌اش دریافت کرده است. اما او سرباز بود و می‌بایست دستور مافوق را بی‌چون و چرا اطاعت کند. لذا کوشید هر چه بیشتر از سربازانش را از سنگر خارج نماید. ساعت پنج بعد از ظهر آنروز سنگر اجتماع مجدداً بدست عثمان افتاد و پرچم هلالی عثمانی در محلی که چند ساعت قبل پرچم عقاب دوسر نصب شده بود به اهتزاز درآمد.

در همان حال که سربازان روسی بیست جنوب فرار می‌کردند، نیروهای ترک استحکامات گریونسا را هم تصرف کردند. در همه جا روسها مشغول عقب‌نشینی بودند و

باران مواضع ترکها روجه سربازان دشمن را تضعیف خواهد کرد مبدل به پایی گردید، همانطور که در جنگ جهانی دوم نظر کسانی که عقیده داشتند با حملات بی در پی هزار هواپیما بمباران افکن و بمباران شهرهای آلمان، درون جنگ کوتاهتر خواهد شد، غلط از کار درآمد.

حملات روسها بر مبنای کتب نظامی که در دانشگاه‌های افسری تدریس می‌شد، صورت می‌گرفت و اصرار داشتند که وقتی حمله متوجه می‌شود که همراه با آتش شدید توپخانه باشد، در این صورت نخستین موج حمله کندگان تلف خواهند شد ولی چون مدافعان خسته شده‌اند، موجهای دوم و سوم خواهند توانست از روی اجساد همقطارانشان بگذرند و به هدف هایشان برسند و با سر نیزه سربازان دشمن را از پای درآورند. اما در این مورد بخصوص روسها دشمن را حقیر شمرده و فراموش کرده بودند که ترکها در استفاده از استحکامات و سنگرهای اجتماعی خود و استفاده از تاکتیک‌های رزمی و مقاومت در برابر سیل قوای دشمن، استاد بشمار می‌روند.

آنروز، کمی قبل از ظهر به بطور ناگهانی ناپدید شد و در ساعت سه بعد از ظهر روسها دست بیک حمله سه جانبه زدند: در شمال شرقی به استحکامات گریونسا، در جنوب شرقی به استحکامات فرینه آن و در جنوب به سه سنگر اجتماعی تازه‌سازی که جاده اصلی را حفظ می‌کرد. هیچ خبرنگاری نمی‌توانست در آن واحد در هر سه جا باشد ولی مک گاهان خبرنگار دلی بیوز که گزارشهای هیجان‌آمیزش از کشتار پاناک دنیا را لرزانده بود، تصمیم گرفت به جبهه جنوبی برود زیرا فرمانده روسها در این منطقه یکی از سرداران مشهور بنام ژنرال اسکولف بود. او مردی سی و پنج ساله و بلندقد و خوش تیافه و پرزرق و برق بود که به شش زبان بروانی صحبت می‌کرد و آواز می‌خواند. با مک گاهان دوست شده و یکبار بوی توضیح داده بود که چرا همیشه در جبهه جنگ اونیفورم سفید می‌پوشد و سوار اسب سفید می‌شود. اسکولف می‌گفت: «برای اینکه سربازانم در هر گوشه جبهه بترانند مرا به بینند و بدانند که همیشه با آنها هستم».

حمله‌ای که از جانب شمال شرقی صورت گرفته بود، بزودی در میان گل و لای متوقف گردید، هر چند نیروهای روسی و رومانی توانستند عصر آنروز یکی از استحکامات گریونسا را با دادن ۲۰۰۰ نفر نقعات تصرف کنند.

عثمان پاشا نگران نبود زیرا این دور سنگر اجتماعی را طوری ساخته بود که سقوط یکی نگهداری دیگری را مشکل و خطرناک نمی‌کرد، باین جهت اقدام به ضد حمله نمود و توجه خود را به اسکولف در جبهه جنوبی معطوف کرد که توپخانه و ۱۲۰۰۰ نفر از افرادی را تا فاصله سیصدمتری سنگرهای ترک پیش برده بود. سنگرهای مزبور بروی تپه کوتاهی بنا شده و از همه به شهر نزدیک‌تر بودند. اسکولف نیمی از قوایش را در یک گردی در پایین تپه صف‌آرایی کرد و سپس در پناه آتش توپخانه و با نوای موزیک نظامی و پرچم‌هایی که در اهتزاز بود، میادرت به حمله نمود. اما بعضی اینکه با نیروی آتش ترکها مواجه شدند، صف روسها بهم خورد. اسکولف سه هزار سرباز دیگر به میدان فرستاد و چند تن از روسها تا کنار استحکامات ترکها هم رسیدند ولی باز هم صف آنها بهم خورد و متفرق شدند.

در این هنگام اسکولف وارد میدان شد و با اونیفورم نظامی سفید و سوار بر اسب سفید آخرین نیروهای ذخیره‌اش را بسوی تپه رهبری کرد و وقتی اسبش به تاختن از برابر مک گاهان می‌گذشت، فریاد زد: «خدا حافظ مک گاهان، برایم آرزوی موفقیت بکن دوست دیرینه‌ام» سپس مک گاهان فریاد او را خطاب به سربازانش شنید که می‌گفت: «دنیال من بیاید تا به شما نشان بدهم چگونه باید ترکها را خورد و نابود کرده مک گاهان از

تلفات آنها و رومیان‌ها در عرض دو روز بالغ بر ۱۵۰۰۰ سرباز و ۳۰۰ اسیر می‌شد. تزار که از کثرت این تلفات نکان خورده بود، دستور متوقف شدن جنگ را داد و بجای آن تصمیم به محاصره پلونا گرفت تا پادگان آنرا از فرط گرسنگی وادار به تسلیم نماید.

عثمان پاشا قبل از هر چیز یک شخص واقع بین بود. او توانسته بود دیوار سپاه دشمن را که تعدادش دو برابر نفرات خودش بود شکست بدهد. مهمتر اینکه توانسته بود ماشین جنگی روسها را از حرکت بازدارد و آنها را مجبور به یک جنگ زمستان طاقت‌فرسا نماید. عثمان عقیده داشت وظیفه‌اش را انجام داده و اکنون دیگر دلیلی ندارد که بیش از آن در پلونا بماند و گرسنگی بخورد، مخصوصاً که ثابت کرده بود که سپاه او بهترین قوای رزمی در سراسر امپراتوری عثمانی می‌باشد. لذا تصمیم گرفت به شهر اورکانی واقع در هشتاد کیلومتری جنوبی پلونا عقب‌نشینی نماید و در آنجا با نیروی عثمانی مستقر در جنوب بلغارستان ارتباط برقرار سازد. در این صورت مطمئن بود که روسها جرئت مبادرت به حمله جدیدی را نخواهند کرد.

عثمان نقشه‌اش را تلگرافی به سلطان در قسطنطنیه اطلاع داد و وقتی پاسخ عبدالحمید را دریافت کرد که با لحن خشم‌آلودی دستور می‌داد همچنان در پلونا بماند و مقاومت کند، دچار شگفتی گردید. عبدالحمید می‌گفت حیثیت بین‌المللی ترکیه و تحسینی که اروپائیان نسبت به عثمان و ملاً نسبت به ترکیه پیدا کرده‌اند، برای آینده امپراتوری نهایت اهمیت را داشته و ایجاب می‌کند که او در پلونا بماند و این شهر را که بصورت منظر مقاومت ترکیه درآمده همچنان حفظ نماید.

سلطان تا حدودی هم حق داشت زیرا در اروپا و مخصوصاً در انگلستان که بقول روبرت فورنو: «فترت مردم نسبت به وحشیگریهای گذشته ترکیه جای خود را به تحسین و تجلیل از شجاعت سربازان ترک داده و عثمان بصورت مرد روز درآمده بود و بسیاری از اشراف و حتی مردم عادی نام فرزندان و گریه و طوفی‌های خود را بر عثمان گذاشته بودند. هرچند عثمان از دریافت تلگراف سلطان خشمگین و ناراحت شده بود ولی دست کم یک جای خوشحالی داشت زیرا عبدالحمید باو وعده داده بود بزودی سپاه نیرومندی جمع آوری و برای آزادی پلونا اعزام خواهد نمود. تنها کاری که عثمان می‌بایست انجام دهد (و بنظر سلطان کارآسانی بود) حفظ پلونا تا رسیدن این نیروی انبساطی بود. عثمان تمام عمرش را در میدان‌های جنگ گذرانده بود نه در دربار پیلدیز و باین جهت بفکرش غطور نکرد که شخص محترمی مانند عبدالحمید وعده‌ای داده است که در نظر ندارد پان وفا کند.

پادگان محاصره شده پلونا با مشکلات متعددی روبرو بود. می‌بایست ترتیب رسیدن آذوقه را از سمت جنوب بدهند، استحکامات را تعمیر و تقویت کنند و مهمتر از همه اجساد مردگان را دفن کنند زیرا خطر شیوع بیماری‌های مهلک بقدری زیاد بود که می‌بایست نگهبانان استحکامات را در هر ۲۴ ساعت بیکار تعویض نمایند.

چند هفته طول کشید تا پلونا از وجود روسها پاک شد و عثمان این را مرحمت الهی دانست و با استفاده از فرصت گاریهای حامل مواد خوراکی و هزاران گاو و گوسفند را از اورکانی به پلونا رساند و کسانیکه این کاروانها را در ماههای سپتامبر و اکتبر همراهی میکردند، برای تقویت پادگان پلونا باقی ماندند. در موقع شروع حمله بزرگ، نیروهای عثمان پاشا پنجاه هزار نفر بود که ۴۰۰۰ نفرش را از دست داده بود ولی اکنون که روسها پلونا را محاصره کرده بودند، پادگان آن بالغ بر شصت هزار نفر می‌گردید و نفرات کمکی هم که همراه ۱۵۰۰ گاری حامل مواد خوراکی در اوایل اکتبر رسیدند، باین تعداد افزوده شدند. در همان حال که ترکیه مشغول تقویت مواضع خود و تأمین آذوقه بودند، روسها

ظاهراً بدون هیچ نقشه‌ای به زندگی عادی خود اشتغال داشتند. مک گاهان می‌نویسد: «هرگز در طول تاریخ نظیر چنین سپاه باشکوهی در چنین وضع نومی‌دانه‌ای مشاهده نشده است.» البته دلیلی نداشت، که روسها عجله کنند چون زمان بنفع آنان در گردش بود و اسکولف هم مدتی را به خوشی در بخارست به استفاده از مرخصی پرداخت. علیرغم جاذبه‌های موسیقی، تئاتر، غذاهای عالی و زنان زیبا که به عنوان قهرمان جنگ باو می‌نگریستند، اسکولف به فورس گفته بود که حتی یک لحظه نمی‌تواند مناظر وحشتناک میدان جنگ را فراموش کند.

در اواسط اکتبر برف سنگینی بارید و پلونا محاصره شده فقط یک راه به خارج داشت و آن استحکامات مشرف به جاده اورکانی بود که از آن آذوقه به شهر می‌رسید. در روزهای آخر اکتبر یک ستون از سربازان گارد امپراتوری روسیه استحکامات مزبور را مورد حمله قرار دادند و پس از هشت ساعت جنگ خونین که طی آن ترکیه در برابر قوای سه برابر خودشان مقاومت می‌کردند، سرانجام پرچم سفیدی بر فراز ستگر اجتماعی برافراشتند. در حدود چهار هزار نفر از ترکیه کشته و ۲۰۰۰ نفر تسلیم شدند. اگرچه روسها هم ۴۰۰۰ نفر از نیروهای اتیوه خود را از دست داده بودند، ولی حلقه محاصره بیست کیلومتری ایروان پلونا تکمیل شده بود.

زمستان سرد بلغارستان بیاد می‌کرد. سرما فوق‌العاده شدید بود ولی روحیه ترکیه با امید رسیدن سپاهی که سلطان وعده داده بود، همچنان خوب بود. هنگامیکه درجه هوا به ده درجه زیر صفر رسید، ترکیه ناچار شدند قراولها و نگهبانان خود را ساعتی بیکار تعویض کنند. توپخانه روسها هر روز چند ساعت پلونا را زیر آتش می‌گرفت. کلیه مساجد شهر مبدل به بیمارستان شده و زخمی‌ها در هر گوشه آنها بر روی حصیر دراز کشیده و ناله می‌کردند. ضماً می‌کشیدند خودشان را گرم کنند چون ترکان همه تاکستان‌ها را از ریشه کنده و سوزانده بودند اکنون چوب ناپاب شده بود. بزودی جیره سربازان به دوپست گرم نان و یک لقمه گوشت کوبیده کاهش یافت و به زخمی‌ها هم فقط آش داده می‌شد. در بازار سپاه یکمده سیگار معادل ده پنس امروزی و یک عدد تخم مرغ بدو برابر این مبلغ خرید و فروش می‌شد. با وجود کمبود گوشت، هیچکس حق نداشت بابرها و گلومیش‌های باربر را بکشد، چون ممکن بود برای شکستن حلقه محاصره بدرج بخورند. لذا سربازان ترک با خوردن گوشت سگ و گریه و حتی موش شکمشان را سیر می‌کردند. اما در همین حال روسها وضع کاملاً متفاوتی داشتند و بقول فورنو: «در اردوگاه آنان گراندولها، پرنس‌ها و ژنرال‌ها، هر کدام میزبان با رویزی سفید پوشیده و مسلو از بهترین غذاها در ظروف نقره و روشی براق بود.»

در دومین هفته نوامبر روسها پنج سرباز ترک را که به اسارت گرفته بودند، آزاد کردند و آنها در حالیکه حرکات و اشارات عجیبی می‌کردند و پرچم سفیدشان را نکان می‌دادند به خطوط ترکیه برگشتند و آخرین شماره‌های روزنامه تایمز و دیلی نیوز لندن را با خود آوردند که در آنها اخبار مربوط به شکست ترکیه در جبهه‌های دیگر و هزیمت سپاه ترک در ارمنستان و سقوط فارس درج شده بود. عثمان پیام مؤبدانه‌ای جهت گراندولک نیلا فرستاد و از اینکه روزنامه‌ها را برای سرگرمی شهبای دراز زمستان برایش فرستاده تشکر کرد.

در پایان نوامبر عبدالحمید بقدر انجام وعده‌ای که به عثمان داده بود افتاد. او در نتیجه مقاومت پادگان پلونا توانسته بود به منظور اصلی خود که بدست آوردن فرصت و نظر مساعد اروپائیان بود دست یابد و اکنون باین فکر افتاده بود که باید کاری در این زمینه انجام بدهد. اما تیکه کار چشم‌انگیز بود زیرا سپاهي مرکب از اتیوهی افراد بی‌نظم و انضباط که از

سایر لشکرهای سراسر امپراتوری کاسته شدند بودند با عجله جمع آوری و به اورکان اعزام نمود. سپاه مزبور با مشاهده نخستین حمله روسها با وحشت فراوان رو به فرار گذاشت و تازه عثمان متوجه گردید که پلونا محکوم به سقوط است و تنها راه چاره‌ای که برایش باقیمانده، شکستن خط محاصره و عقب‌نشینی است.

تیمه مقدمات این کار می‌بایست کاملاً محرمانه صورت بگیرد زیرا عثمان میدانست که امید موفقیت او مستلزم غافلگیر کردن روسها می‌باشد. شبانه کلیه گارها و اربابها و توپها در میان سکوت و هیجان عمومی جمع آوری و آماده حرکت شدند. زخمی‌ها بطرز مجزوه‌آسانی از پست‌هایشان برخاستند و گرچه به خطرانی که نهدیدشان می‌کرد واقف بودند ولی بغول دکتر رایان مترجم می‌دادند در حین جنگ و زد و خورد کشته شوند تا در این زنیانی که گرفتار شده بودند باقی بمانند.

چنانکه گذشت افراد غیر نظامی ترک نیز غیرممکن بود زیرا بلغارها بمحض خروج قوای ترکیه آنها را از مرد و زن و بچه تا آخرین نفر قتل عام می‌کردند. پس می‌بایست آنها را هم همراه ببرند و فقط زخمی‌های بسیار سخت را جایگذارند. عثمان تنها راه چاره‌ای که بتفکرش رسید این بود که ریش سفیدان شهر و کشیش‌های بلغار را جمع کرد و آنها را به انجیل مقدس سرگند داد که صدعهای به زخمی‌های سخت نرسانند.

همین‌که وقت شکستن خط محاصره فرا رسید، چرخهای گارها و توپها را روغن‌کاری کردند و در کاه پیچیدند تا صدای آنها برتخت‌دیده‌بهر یک از سربازان چیره‌منه روزه و یک جفت کفش صندل دادند. بشکله‌های آب و صدقوهای فکشیگ و مهمات و علیق اسبان و باقیباندن مواد غذایی را باز گارها کردند و آدمک‌های مصنوعی بشکل و قد سربازان ساخته و پروری سنگرها فرار دادند تا روسها را خائف‌گیر کنند و سپس به آهستگی از استحکامات خارج شدند.

شکستین حلقه محاصره از ابتدا محکوم به شکست بود ولی عثمان پاشا انتظار مجزوه دیگری را داشت. تدابیر احتیاطی در پلونا آفندر شدید بود که روسها بکلی از تمهیدات و نقشه ترکها غافل بودند تا اینکه در ساعت چهار صبح همان‌روز یک چاسوس لهستانی اسکولف را از خواب بیدار کرد و جرم‌ان را باو خبر داد. هنوز روسها قوای خود را جمع آوری نکرده و آرایش جنگی ندهاده بودند که ستون نیروهای ترک مانند رودخانه‌ای از شهر خارج شد و در میان دشت‌های پوشیده از برف بسوی غرب روانه گردید.

در رأس این ستون عثمان پاشا سوار اسب گردید و پشت سرش هزاران گاری و ارباب که با گاویش حمل می‌شدند حرکت می‌کردند. در این هنگام دو هزار سرباز زنده ترک با صدای شیور به مواضع روسها حمله‌ور شده و تا ساعت هشتم و نیم صبح یک هنگ روسی را نابود کردند و حلقه محاصره را شکستند.

عثمان پیدرنگ دستور حمله به سایر مواضع روسها را داد اما در این جا مقاومت بیشتر بود و در حدود پنجاه هزار سرباز ترک و روس بجان هم افتاده و به جنگ. ن به ن برداختند. کسانیکه در اطراف وی بودند مشاهده کردند که فرمانده قوای ترک از اسبش سرنگون شد و در عرض چند لحظه شایعه مرگ او پیچید، در حالیکه گلوله به پای او اصابت کرده و هنوز زنده بود. با شنیدن این خبر سربازان نیمه‌گرسنه و نیمه‌مجموع ترک باوحشت فراوان مواضع روسها را ترک کردند و وقتی خواستند دیواره صفوفشان را آرایش بدهند دیگر حیر شده و روسها کلیه استحکامات ترکها را تصرف کرده و هرگونه امید دسترسی به یک پناهگاه را از آنان سلب کرده بودند. در ساعت یک بعد از ظهر صدای آخرین شلیک گلوله خاموش شد و محاصره ۱۲۳ روزه پلونا پایان رسید و بر فراز خانه‌ای

کنار پل رودخانه دید که عثمان مجروح در آن بستری بود، پرچم سفیدی برافراشته شد. روسها با عثمان پاشا مانند یک فرمان رفتار کردند. هنگامی که گاندوگ نیکلا با

از روبرو شد، دستش را فشرده و فریاد زد: «مرد دفاع پلونا بشمار تیریک می‌گویم. این یکی از برجسته‌ترین کارهای تاریخی بوده. اسرمان روسی با اونفورم‌های تمیز و چکمه‌های برافشان به از آفرین می‌گفتند و وقتی عثمان با ژنرالی که اونفورم سفید نظامی در برداشت روبرو شد و نهمید که او اسکولف است، دستش را گرفت و گفت: «شما روزی فرمانده کل ارتش روسیه خواهد شد»

تزار عثمان پاشا را به صرف ناهار دعوت کرد وقتی عثمان شمشیرش را باو تسلیم نموده، تزار شمشیر را پس داد و در حالیکه عثمان خود را آماده عزیمت به بازداشتگاه خارکف می‌کرد، یکی از اعضای ستاد تزار به او یک شاخه زغال اخته سفید کرد که طبق سنن قدیمی روسی چنین معنی می‌داد که او دیگر دشمن آنان بشمار نمی‌رود.

اما سرنوشته سربازان عثمانی بکلی چیز دیگری بود. علیرغم وعده‌های مکرر روسها مبنی بر اینکه با اسبیران خوب رفتار خواهند کرد، ۲۵۰۰۰ سرباز ترک را مدت دو هفته در هوای سرد و یخبندان پلونا بی‌سرباه در وسط دشت‌های پربرف نگه داشتند و علاوه به آنها غذا و دارو هم ندادند. حتی اجازه نوشیدن از آب رودخانه دید هم که بواسطه وجود صدها بخش در آن آورده شده بود، به آنها داده نشد. قبل از اینکه این گروه انبوه اسبیران را با پای پیاده در دشت‌های پربرف به بازداشتگاه‌های مختلف روسیه بفرستند، سه هزار نفرشان جان سپرده بودند و از بقیه بزمخت ۱۵۰۰۰ نفر بمقصد رسیدند. سرنوشته زخمی‌هایی که در پلونا جا مانده بودند از این هم بدتر بود زیرا بلغارها بمحض عزیمت ترکها سوگندشان را زیر پا گذاشته و همه را سربیدند.

محاصره قهرمانه پلونا در مطبوعات غربی بازناب فراوانی داشت.

پاورقی:

۱) از آنجا که سخن مربوط به ترکان عثمانی است بیجا نخواهد بود که به سهم ترکان عثمانی در تاریخچه نقشه و کارنوگرانی اشاره کنیم. در مجموعه مقالات دائرةالمعارف اسلامی - مقاله‌ای است از مغول احمد - ترجمه آذرنگ و برگرفته از کارهای میلر که در این مقاله تحت عنوان نقشه‌های بزرگ و بحری ترکان چنین می‌نویسد: «در این قرن (دهم هجری - شانزدهم میلادی) نقشه‌نگاران ترک باعث پیشرفت‌های بسیار مهمی در نقشه‌نگاری اسلامی شدند. در واقع می‌توان گفت که آنها، میان نقشه‌نگاری سنتی اسلامی و نقشه‌نگاری نوین پلی زدند. از جمله برجسته‌ترین نمونه‌های کار ایشان نقشه‌های پیری رئیس (متوفی ۹۶۲ - ق) است. وی نقشه‌ای از عالم کشید که در سال ۹۱۹ تکمیل شد و فقط نیمکره غربی آن در دست است. این بخش شامل شبه‌جزیره ایبری شمال غربی آفریقا، اقیانوس اطلس و سواحل جزایر آمریکا است. این نقشه که بر پوست آهو کشیده شده شامل تصویرهای رنگی و یادداشت‌هایی درباره کشورهای، ملت‌ها، حیوانات و گیاهان است و در سال ۹۲۲ به سلطان سلیم (دوم) تقدیم شد.

۲) آقای علی محمودی که از اولین سالهای تأسیس سازمان نقشه‌برداری کشور در خدمت رسته نقشه‌برداری بوده و اکنون بازنشسته هستند.

۳) تصاویر ماهواره‌ای بخش مهمی از وظیفه اشتقاق نقشه‌های کوچک مقیاس تر را از مقیاس‌های بزرگتر بر عهده گرفته‌اند.

۴) نظامی‌های معروف در طوس، هرات، نیشابور و بغداد و چندین شهر دیگر فلان ایران بودند.

5) Romanos Diogenes

۶) فورس در طی جنگ فرانسه و پروس در سال ۱۸۷۰ شهرت زیادی کسب کرده بود زیرا روزنامه تامپزلدن یک ترن اختصاصی کرایه کرده و فورس که خود را بشکل مأموران آتش‌نشانی درآورده بود، اختیار دست اول مربوط به ورود آلمانی‌ها به پاریس را با ترن مزبور به لندن رسانده بود.